

بهرام امیراحمدیان^۱

سپر دفاع موشکی اصطلاحی که در آغاز سال ۲۰۰۷ در ادبیات سیاسی جهان کاربرد بسیاری پیدا کرد، ناشی از نگرش جدید ایالات متحده آمریکا به فضای استراتژیک اروپا بود که سبب واکنش تند روسیه شد. ابتکار سپر دفاع موشکی از سوی ایالات متحده، بیانگر نبود استراتژی دفاعی واحد از سوی کشورهای عضو اتحادیه اروپاست که هنوز هم از نظر دفاعی نتوانسته اند به وحدت فرماندهی دست یابند و ناگزیر ایالات متحده با تکیه بر ساختارهای ناتو ابتکاری نو را برای آنان تدارک دیده است که تنها دو کشور از کشورهای اتحادیه اروپا و آنهم دو کشور اردوگاه سوسیالیستی قلمرو ژئواستراتژی بری (قاره ای) یا عضو سابق پیمان ورشو یعنی لهستان و جمهوری چک را شامل می شود. اما قلمرو عملیاتی این ابتکار تمامی اروپا را در بر می گیرد. ایالات متحده آمریکا با استفاده از ضعف ساختارهای دفاعی اروپایی و دوری گزینی افراطی اعضای سابق پیمان ورشو از مسکو، سپر دفاع موشکی را مطرح کرده است. کشورهای میزبان این طرح با این ابتکار و بزعم خود و آمریکا از بنه دفاعی قوی تر و بازدارندگی کارآمدتری نسبت به دیگر کشورهای عضو اتحادیه اروپا برخوردار خواهند شد و مورد توجه و حمایت‌های مالی هر چه بیشتر آمریکا قرار خواهند گرفت. اما روند وقایع پیچیدگی خاصی را دنبال می کند که رویای دستیابی به اهداف از پیش تعریف شده را با چالش‌هایی روبرو می سازد که منجر به ادامه نوعی جنگ سرد جدید از نوع آغاز هزاره سوم است. واژگان کلیدی: جنگ سرد جدید، سپر دفاع موشکی، موشک‌های بالستیک، اروپا، تهدیدات آمریکا، فدراسیون روسیه، ایران.

با بروز تنش بین آمریکا و فدراسیون روسیه، در استقرار سپر دفاع موشکی آیا جنگ سرد جدیدی در راه است؟

۱. دکتر بهرام امیراحمدیان، عضو هیأت علمی فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز..

این سوالی است که ذهن بسیاری را در جهان به خود مشغول کرده در حالی که این تحرکات در پیرامون ایران رخ می‌دهد. اکنون ایران به مرکز ثقل اخبار جهان به ویژه خاورمیانه تبدیل شده است.

به زعم آمریکا آیا به راستی ایران دارای چنان سیستم دفاعی و تهاجمی قدرتمندی از موشکهای بالستیک است که بتواند تهدیدی برای اروپا و آمریکا باشد؟ آیا این نگرش مسبب ایجاد دوره ای جدید از مسابقات تسلیحاتی خواهد شد؟ آیا استقرار سپر دفاع موشکی در اروپا به همان صورتی که واشنگتن بدنبال آن است، برای امنیت ملی ایران مخاطره آمیز است؟ چرا آمریکا به دنبال تقویت ناوگان دریایی خود در خلیج فارس است؟ چرا استقرار سپر دفاع موشکی آمریکا به مساله ای بزرگ بین روسیه و آمریکا تبدیل شده است؟ و چرا روسیه منظور از استقرار سپر دفاع موشکی را تهدید امنیت ملی خود ارزیابی می‌کند و نه ایران؟ و چرا برای رفع این تهدید، آمریکا را به بهره برداری از ایستگاه رادار قبیله در آذربایجان فرا می‌خواند؟ اگر جنگ سرد جدیدی پیش روست، الزامات آن چیست و چگونه می‌توان در برابر آن موضع گرفت؟ موضع گیری چه جهتی می‌تواند داشته باشد؟ اینها همه سوالاتی است که ذهن دوایر سیاسی و تصمیم گیری کشورهای منطقه به ویژه ایران و روسیه را سخت بخود مشغول داشته است. هدف از این مقاله یافتن پاسخ به سوالات مطرح شده است.

با گسترش ناتو بسوی شرق و پیوستن کشورهای بلوک شرق سابق از جمله لهستان، چک، اسلواکی (در شمال غربی)، جمهوریهای لتونی، لیتوانی، استونی (در حوزه بالتیک) و رومانی، بلغارستان و اسلوانی (در بالکان) و مجارستان (در اروپای مرکزی)، به این پیمان و محاصره روسیه از سوی غرب و شمال غرب فشار بر روسیه بیشتر شده است. از سوی دیگر بروز انقلابهای رنگی در گرجستان (۲۰۰۳)، قرقیزستان (۲۰۰۴) و اوکراین (۲۰۰۵)، و احتمال بروز آن در آذربایجان و ارمنستان (در قفقاز جنوبی در جنوب روسیه)، بلاروس (در شمال غرب)، و امکان تغییرات در داخل فدراسیون روسیه (تجزیه واحدهای سیاسی تشکیل دهنده فدراسیون)، طبیعی است که روسیه را به بروز واکنش وادارد. پیوستن گرجستان و اوکراین در آینده ای نزدیک به ناتو، حلقه محاصره روسیه از سمت غرب را تکمیل خواهد کرد و روسیه را در بدترین شرایط استراتژیک قرار خواهد داد. استقرار سیستم سپر دفاع موشکی نیز دنباله همین ترتیبات امنیتی است که غرب در اروپا در

پیش گرفته است. اگرچه آمریکاییها گفته اند که روسیه دیگر خطری برای آنها محسوب نمی شود، و خطر تهدید آنها از سوی چین خواهد بود، ولی روند امور نشان می دهد که روسیه آماج این هدف گذاری های جدید است.

آغاز مبارزات علنی روسیه و آمریکا: شدیدترین اعتراض رسمی روسیه به یکجانبه گرایی آمریکا در کنفرانس امنیتی در فوریه سال ۲۰۰۷ در مونیخ اتفاق افتاد. این اتفاق از سوی وزارت خارجه روسیه در صدر مهمترین رویدادهای روسیه در سال ۲۰۰۷ قلمداد شده است. صدای اعتراض کرملین در مونیخ، بازتاب وسیعی در جهان داشت و رسانه ها از آغاز دوره جدیدی از جنگ سرد خبر دادند. در این کنفرانس پوتین اظهار داشت که سیاست آمریکا جهان را ناامن ساخته است. در نخستین روز کنفرانس مونیخ، در حضور ۲۵۰ نفر از ۴۰ کشور جهان، ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه در نطقی شدیدالحن و کم سابقه سیاست‌های آمریکا را مورد اعتراض قرار داد. پوتین که در حضور آنگلامرکل، صدراعظم آلمان و رابرت گیتس، وزیر دفاع آمریکا سخن می گفت، افزود که آمریکا پا را از مرزهای خود فراتر گذاشته و با استفاده نامحدود از نیروی نظامی موجب شعله ور شدن رقابت های تسلیحاتی و تروریسم در جهان شده است. رئیس جمهور روسیه گفت: آمریکا جهان را به مکانی ناامن تبدیل کرده است. او آمریکا را متهم کرده که به دنبال جهان تک قطبی است و می خواهد به تنهایی تصمیم گیرنده باشد. سخنرانی رئیس جمهوری روسیه موجب عصبانیت برخی میهمانان آمریکایی اجلاس شد. سناتور جان مک کین، از اعضای بلندپایه حزب جمهوریخواه در انتقادی متقابل، روسیه را متهم کرد که در حال تبدیل شدن به یک دیکتاتوری است.

پوتین گفت: «سیستم پدافند موشکی که آمریکا برای اروپای شرقی برنامه ریزی کرده، کاملاً اضافی است. دلایل واشنگتن برای ایجاد این سیستم پدافندی معقول و پذیرفتنی نیست. عملیات یکجانبه و غیر مشروع، هیچیک از مشکلات جهان را حل نکرده بلکه منجر به فاجعه های جدید شده است و در بحران‌ها و منازعات منطقه‌ای صدها هزار انسان کشته شده و حقوق ملل نقض می‌شوند و دسترسی به راه حل‌های سیاسی غیرممکن می شوند.» بنا به اعتقاد رئیس جمهور روسیه آمریکا و ناتو به حقوق ملل توجه نمی‌کنند به همین سبب جهان امروز شاهد افزایش استفاده از ابزارهای نظامی در سطحی گسترده است و هیچکس احساس امنیت نمی‌کند. رئیس جمهور روسیه اقدامات

آمریکا در اجرای وظیفه ژاندارمی جهان را مورد انتقاد قرار داده گفت که خشونت باید آخرین ابزار باشد و صرفاً در صورت تصویب سازمان ملل متحد مشروع است و مصوبات ناتو و اتحادیه اروپا نمی توانند جایگزین مصوبات سازمان ملل شوند. بر اساس اظهارات او درباره امنیت جهانی باید از نو اندیشیده شود و این موضوع بر اساس توازن حقوق بین‌الملل برای همه باشد. توسعه ناتو به سمت مرزهای روسیه انتقاد آمیز است. این توسعه و گسترش با به روز کردن معاهده‌ها و پیمان‌ها ربطی ندارد، بلکه عاملی تحریک‌آمیز است که اعتماد را کاهش می‌دهد. در آینده قدرت‌های رو به رشد اقتصادی چون چین، هند و برزیل در عرصه بین‌الملل تاثیر گذار خواهند بود و جهان چند قطبی‌تر خواهد شد. بنابراین جهان به یک توازن نیاز دارد.

عقب‌نشینی آمریکا از عراق پوتین با تأکید بر شدت وخامت اوضاع جاری در عراق و غم‌انگیز بودن این اوضاع گفت: تعیین جدول زمانی مشخصی برای عقب‌نشینی نیروهای خارجی از عراق با توجه به وضع فعلی بسیار ضروری است. وی افزود: «مدتی پیش حکم اعدام صدام، رئیس‌جمهور سابق عراق به اجرا گذاشته شد و من نمی‌خواهم در این زمینه موضعگیری کنم؛ اما سؤال من این است به چه اتهامی صدام را محکوم کردند؟ آیا به اتهام انتقام از یک روستای شیعه نشین و اعدام ۱۷۴ تن از ساکنان این روستا؟»

پوتین در ادامه افزود: «از زمان آغاز عملیات نظامی در عراق تا به امروز بیش از سه هزار سرباز آمریکایی کشته شدند. هزاران تن از شهروندان بی‌گناه عراقی نیز در این مدت محکوم به مرگ شدند. سؤال من این است که آیا می‌توان این مسأله را نیز با مسأله محاکمه صدام مقایسه کرد؟». هدف آمریکا برای حضور در منطقه اوراسیا را می‌توان در اظهار نظر مقامات آمریکایی جستجو کرد

رویکرد تازه روسیه به خاورمیانه: پوتین در پایان دیدار از آلمان و شرکت در کنفرانس امنیتی مونیخ روز بعد به عربستان رفت. این نخستین سفر یک رهبر روسیه به عربستان

در ۸۰ سال اخیر بود. دولت عربستان بعد از فروپاشی شوروی پس از ۵۲ سال در سال ۱۹۹۰ روابط خود را با روسیه از سر گرفت.

در این سال عبدالله بن عبدالعزیز ولیعهد ملک فیصل، حاکم کنونی عربستان به روسیه رفت. دیدار پوتین از عربستان به عنوان بزرگترین تولیدکننده نفت می‌تواند در تنظیم معادلات اقتصادی و تنظیم بازار نفت در سال‌های آینده بسیار تاثیرگذار باشد. روزنامه هندلزبلات چاپ آلمان در این مورد نوشت که از هم اکنون چند شرکت روسی در عربستان در میدانهای گازی این کشور فعالیت دارند و در کنار همکاریهای اقتصادی، پوتین مایل است در مورد مسایل خاورمیانه نیز از دیدگاه‌های عربستان مطلع شود. دیدار بعدی پوتین از قطر بود. او در مصاحبه ای در قطر گفت که آنچه آمریکا با فرستادن ناوگان تازه به خلیج فارس انجام داده به امنیت در عراق ارتباطی ندارد و مشخص است که کشورهای منطقه را نگران کرده است. پوتین همچنین از استقرار موشکهای آمریکایی در شرق اروپا که قرار است در چک و لهستان مستقر شوند انتقاد کرد و گفت که این عمل آمریکا هیچ ارتباطی با آنچه آمریکا مدعی مقابله با آن است ندارد.^۱

دکترین نظامی جدید روسیه: در این برهه که روسیه از سوی آمریکا تهدید می‌شود، روسیه با درک وخیمتر شدن فضای استراتژیک اروپا، پیش نویس دکترین نظامی جدید خود را منتشر کرد که بیشتر در مطابقت و پاسخ به نیازهای جدید بود. دکترین نظامی دولت‌ها برای دوره مشخصی تصویب می‌شود. که مشروط به شرایط داخلی و خارجی کشور می‌باشد. در سال ۱۹۹۳ اساسنامه دکترین نظامی روسیه تصویب شد اما در سال ۲۰۰۲ روسیه دکترین نظامی تمام عیاری را پیش گرفت. از نظر سیاسی این اسناد برای تامین امنیت نظامی در دوره انتقالی از استبداد سوسیالیستی به نظام دموکراتیک با اقتصاد بازار در نظر گرفته شده بود.

دکترین نظامی انتخاب شده تکیه زیادی بر ثبات داخلی در دولت، در تامین امنیت نظامی خارجی و انعکاس موفق آن در صورت بروز خصومت دارد. دکترین نظامی می‌تواند تاثیر متقابلی بر ایدئولوژی نظامی داشته باشد، بدین ترتیب که در برابر آن مشکلات

جدیدی قرار دهد یا باعث اصلاحات در آن گردد یا موجب تعمیق محتوای آن شود.^۱ آکادمی علوم نظامی روسیه در مارس ۲۰۰۷ پیش نویس دکترین نظامی خود را منتشر کرد. این پیش نویس در کنفرانسی در وزارت دفاع، گزارش رئیس این آکادمی نظامی را درباره دکترین نظامی جدید روسیه بررسی کرد. این دکترین بعد از بررسی به ارتش ابلاغ می‌شود. نکات اصلی این دکترین جدید بنا به گزارشهای منتشر شده از محمت گریف رئیس آکادمی علوم نظامی روسیه بشرح زیر اعلام شد:

- ۱- تغییرات در وضعیت ژئوپلتیک و سیاسی- نظامی روسیه و جهان ضرورت تدوین دکترین جدید نظامی را نشان داده به همین دلیل پوتین رهبران ارتش را مامور تدوین دکترین جدید کرد.
- ۲- گام اول شناسایی تهدیدهای بالقوه و بالفعل پیش روی روسیه است. بعد از آن باید انواع جنگها و درگیری‌های مسلحانه که تا سال ۲۰۱۵ پیش رو خواهیم داشت را پیش‌بینی و شناسایی کنیم.
- ۳- باید از تاکید بیش از حد بر سیاست و ایدئولوژی برهیز کنیم و به جای آن بر تلاش عملی/ برای تقویت امکانات دفاعی متمرکز شویم.
- ۴- عوامل محیط زیستی و انرژی دلایل و انگیزه‌های اصلی درگیریهای نظامی ۱۰ تا ۱۵ سال آینده هستند. بعضی کشورها تلاش خواهند کرد تا منابع انرژی کشورهای دیگر را به کنترل درآورند. همانطور که در جنگ عراق چنین شد. کشورهای دیگر هم چاره‌ای جز مقاومت یا مرگ ندارند. دیر یا زود جامعه جهانی باید دامنه و ماهیت تولید را محدود، قانونمند یا دگرگون کند.
- ۵- شکاف عظیم میان استانداردهای زندگی ثروتمندان و بقیه دنیا به تروریسم و جنگ همه با همه منجر می‌شود. این تهدید جدی برای امنیت ماست. البته فقر تنها دلیل تروریسم نیست.

۱. استراتژی دفاعی روسیه در سال ۲۰۰۷، پروفیسور "یوری یاکوولویچ کیرشین" سرتیپ بازنشسته، دکتری فلسفه، استاد دانشگاه، نزاویسیمایا گازیتا، نشریه نظامی، ۲۵ اوت ۲۰۰۶

۶- ماهیت تهدیدهای آینده به ساختار سیاسی آینده دنیا بستگی دارد. حتی ابرقدرتهایی مانند آمریکا هم نمی‌توانند با بار سنگین مسئولیت و رهبری کنار بیایند و آن را تحمل کنند.

۷- هیچ مشکلی در دنیای امروز بدون مشارکت روسیه حل نمی‌شود. هیچ جایگزینی برای دنیای چند قطبی با محورهایی چون آمریکا، اتحادیه اروپا، روسیه، چین و هند وجود ندارد.

۸- تحلیل روندهای کنونی دنیا نشان می‌دهد مسیر سیاسی که واشنگتن در پیش گرفته به رویارویی آن با بسیاری از کشورها منجر خواهد شد.

۹- در دکترین جدید نظامی روسیه فقط تهدیدهای نظامی مورد توجه نیست و دیگر تهدیدهای سیاسی، دیپلماتیک، اقتصادی و اطلاعاتی هم مد نظر قرار گرفته است.

۱۰- استفاده از سلاح هسته‌ای و تکثیر سلاح کشتار جمعی همچنان روسیه را تهدید می‌کند.

۱۱- قدرتهای برتر دنیا با تهدیدهای مشترکی رو به رو هستند که تنها با تلاش مشترک قابل حل است. به همین دلیل دکترین نظامی روسیه باید شامل مفادی هم راستا با مفاد دکترینهای نظامی دیگر کشورها به ویژه در جنگ با تروریسم باشد.

۱۲- در جنگهای آینده سلاح هسته‌ای مهمترین و قابل اتکاترین ابزار بازدارنده استراتژیک در برابر تهاجم خارجی است. اما این موضوع نباید مسکو را به اشتباه بیندازد چون از سلاح هسته‌ای در همه جا نمی‌توان استفاده کرد.

۱۳- در دکترین جدید نظامی روسیه تحول نیروهای مسلح، توسعه سیستم دفاع هوایی و فضایی منسجم و استفاده از جنگ افزارهای تکنولوژیک دیده شده است.

با نگاهی به اصول بر شمرده شده در دکترین نظامی روسیه معلوم می‌شود که احتمال تهدید امنیت ملی روسیه از سوی آمریکا جدی گرفته شده است. روسها بخوبی آگاهی دارند که برای دفاع از سرزمین پهناور خود نیاز به توسعه صنایع نظامی و موشکی و آنها هم در حد بسیار پیشرفته دارند که در بند ۱۳ و در بند ۱۲ نیز به سلاحهای غیر متعارف در جنگهای آینده اشاره شده است، سلاحهایی که روسیه به مقدار کافی در دسترس دارد و هراس غرب از همین تسلیحات است. آنچه غرب را از روسیه به وحشت می‌اندازد، در وهله اول سلاحهای اتمی و دیگری انرژی هسته‌ای است که در مورد اول هراس

تخریبی و در مورد دوم هراس رکود اقتصادی و تعطیلی صنعت و دگرگونی و دشواری زندگی اروپای غربی بویژه در زمستان را بدنبال دارد. همین امور را می توان در جغرافیای سرزمین روسیه ملاحظه کرد.

مرزهای زمینی روسیه ۲۰۰۹۶/۵ کیلومتر است که با ۱۵ کشور همجوار است. با کشورهای گرجستان (۷۲۳ کیلومتر) و آذربایجان (۲۸۴ کیلومتر) در قفقاز، اوکراین (۱۵۷۶ کیلومتر) و بلاروس (۹۵۹ کیلومتر) در غرب، لاتویا (۲۱۷ کیلومتر) و استونی (۲۹۴ کیلومتر) در شمال غربی، لیتوانی (با استان کالینینگراد، ۲۸۰ کیلومتر)، لهستان (با استان کالینینگراد، ۲۳۲ کیلومتر)، و فنلاند (۱۳۴۰ کیلومتر) و نروژ (۱۹۶ کیلومتر) در شمال غربی، همسایه است. در جنوب غربی، کره شمالی (۱۹ کیلومتر) و چین (۳۶۰۵ کیلومتر) و در جنوب، مغولستان (۳۴۸۵ کیلومتر) و قزاقستان (۶۸۴۶ کیلومتر) با روسیه مرز مشترک دارند. هم چنین روسیه ۳۷۶۵۳ کیلومتر مرز آبی دارد. جابجایی نیروها در این عرصه جغرافیایی دشوار و نگهداری نیروهای متعارف نیز بسیار پر هزینه است. از اینرو روسیه به علت شرایط جغرافیایی خود ناگزیر به قدرتمند بودن است. برای حفظ این سرزمین، روسیه در طول تاریخ پرقدرت باقی مانده و برای بقای خود در آینده و چیرگی بر ضعف ژئواستراتژیک خود ناگزیر به مدیریت بهینه نظامی امنیتی کشور است.

طرح سپر دفاع موشکی از سوی آمریکا: طرح دفاع استراتژیک یا جنگ ستارگان در سال ۱۹۸۳ توسط ریگان، مطرح شد و تعجب محافل علمی و سیاسی را برانگیخت. شمار زیادی از دانشمندان معتقد بودند رهگیرهای مستقر در فضا نمی توانند سپری غیرقابل نفوذ ایجاد کنند و البته دیپلماتها می گفتند این برنامه ثبات عصر جنگ سرد را با مشکل روبرو می کند. به علاوه متخصصان آمریکایی در همان زمان اعلام کردند که دشمن به راحتی می تواند یا پرتاب موشکهای اضافی یا حتی «تله»های ارزان قیمت این سیستمهای محدود و گران را ناکارآمد کند. اما شاید فعلا مهمترین پیامد سیستم دفاع موشکی آمریکا قربانی شدن دو معاهده مهم کنترل تسلیحاتی باشد. در سال ۱۹۷۲ آمریکا و اتحاد شوروی، قرارداد منع تولید موشکهای ضد بالستیک (ABM) را پس از مذاکرات بسیار در پیمان "سالت ۱" که در سالهای ۱۹۶۹-۱۹۷۲ انجام شده بود، امضا کرده بودند و بر

اساس آن اجازه داشتند فقط یک سامانه ضد موشکی برای مقابله با شلیک موشکهای بالستیک تاسیس کنند. این سامانه شامل حداکثر ۱۰۰ سیستم رهگیر و تاسیسات راداری بود. سامانه‌های دو کشور در ایالت داکوتای جنوبی در آمریکا و اطراف مسکو در شوروی مستقر شدند. این پیمان به توازن استراتژیک میان دو ابرقدرت منجر شد چون آنها را از دستیابی به توانایی ایمن سازی در مقابل حمله متقابل اتمی باز می‌داشت. در سالهای ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۹ نیز پیمان سالت ۲۰ بلافاصله بعد از تصویب پیمان سالت ۱ - مورد مذاکره قرار گرفته نهایی شد که با آغاز تهاجم شوروی به افغانستان این مذاکرات متوقف شده و هرگز به تصویب نرسید. متعاقب آن در سال ۱۹۸۱-۱۹۸۳ مذاکرات مربوط به کاهش سلاحهای استراتژیک معروف به "استارت" شکل گرفت.

اما در دسامبر ۲۰۰۱ جرج بوش خروج یک‌جانبه از پیمان ABM را اعلام کرد تا «طرح دفاع ملی موشکی» را اجرا کند. روزنامه‌های آمریکایی سیستم دفاع موشکی جرج بوش را «پسران جنگ ستارگان» ریگان نام گذاشته‌اند. هنگامی که آمریکا و شوروی پیمان منع گسترش موشکهای بالستیک را امضا کردند فقط ۹ کشور موشک بالستیک داشتند در صورتی که امروز بیش از ۳۰ کشور موشک بالستیک دارند و ۱۴ کشور در تولید یا صادرات موشک بالستیک و تکنولوژی مربوط به آن دست دارند.

واکنش شدید روسها نسبت به طرح سپر دفاع موشکی از سوی آمریکا: با بهبود روابط روسیه با آمریکا که با همکاری روسها برای اجازه ورود به آمریکا برای ورود به آسیای مرکزی پس از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ رخ داد، روسها می‌پنداشتند که دوره جدیدی از همکاریهای بین دو کشور آغاز شده است. با استفاده از این فرصت روسیه توانست مساله چچن را در این قالب به نظم درآورد و تا حدودی از فشارهای غرب برای دخالت در امور داخلی روسیه بکاهد. آمریکا و غرب نیز درگیر مساله اشغال افغانستان و سپس اشغال عراق شدند. روسیه در کنار فرانسه و چین و آلمان مخالف حمله نظامی آمریکا به عراق بود. در نهایت، آمریکا به عراق حمله و آن را اشغال کرد. روسیه با اعلام مخالفت با آمریکا امتیازات زیادی را در بازسازی عراق تحت اشغال آمریکا از دست دادند و

آمریکا بعدها توانست با اجرای سیاستهایی، ائتلاف بزرگی از هم پیمانان خود در عراق تشکیل دهد. روند امور بسوی تغییر و دگرگونی در کشورهای مخالف پیش می رفت. ابتدا در انتخابات آلمان شرودر صدر اعظم آلمان مخالف با آمریکا و متحد و دوست پوتین، از صحنه حذف شد و خانم آنجلا مرکل متحد آمریکا به پیروزی رسید. در فرانسه نیکلای سارکوزی بجای ژاک شیراک در راس فرار گرفت و نزدیکی سیاستهای فرانسه را به آمریکا اعلام داشت. در روسیه نیز دوره ریاست جمهوری پوتین رو به اتمام است، اما در خود آمریکا با وجود پیروزی دموکراتها و شکست جمهوری خواهان و از دست دادن ریاست کنگره و سنا و نهاد هایی چون ریاست بانک جهانی از سوی جمهوری خواهان و یاران نزدیک بوش و نومحافظه کاران، هنوز شرکتهای بزرگ نفتی و تسلیحاتی و سرمایه داران بزرگ و سرنوشت ساز حکومت آمریکا را در دست داشته و برای حفظ موقعیت و سود سرمایه های خود نیازمند تغییرات در عرصه روابط بین الملل به زعامت آمریکا هستند. از اینرو جهان را بسوی نوعی رقابت تسلیحاتی و بی ثباتی در عین ثبات رهنمون می شوند.

از طرفی روسیه با استفاده از درآمدهای حاصل از افزایش قیمت جهانی نفت و کمبود عرضه ناشی از اشغال عراق و پرکردن این خلاء توانست به ساماندهی اوضاع اقتصادی و مبارزه با الیگارشیهای داخلی، و بکارگیری اهرم انرژی تا حدود زیادی خود را به صحنه جهانی به عنوان قدرتی تاثیر گذار وارد کرده و با ورود به گروه هشت کشور صنعتی اقتدار خود را توسعه دهد. برگزاری اجلاس سران گروه هشت همزمان با دوستمین سالگرد بنیانگذاری شهر سنت پترزبورگ، روسیه را به قدرتی مهم در صحنه جهانی تبدیل کرد. اما مبارزه جویی پوتین در اجلاس مونیخ در سال گذشته و انتقاد از بوش اوضاع را دگرگون کرد. روسیه با اهرم گاز بر اوکراین فشار آورد و غرب را از خود ناراضی ساخت. در عین حال زمستانهای سخت اروپا نیازمند گاز روسیه است که با قطع گاز اوکراین که گاز روسیه را به اروپای شرقی و غربی منتقل می کند، غرب نگرانی خود را از امکان استفاده روسیه از اهرم انرژی برای تاثیر گذاری بر معادلات جهانی اعلام کرد. مسلم است که در مسکو متوجه این هستند که هیچ دلیل متقاعد کننده و آشکاری نمی تواند "ماشین صنایع نظامی آمریکا" را متوقف کند که امیدوارست حق السهم بسیار چشمگیری را از استقرار دفاع ضد موشکی در اروپا و نیز در سایر قاره ها و حتی در فضا بدست آورد. اما در

اروپا باید درک کنند که چه کسی مسئول گسیختن ثبات و آرامش در کشورهای آنان است. بنا به اظهار «ویکتور لیتوفکین»، که در روزنامه "نیزاوایسیمایه واینایه ابازرنیه"، ویژه خبرگزاری «نووستی» منتشر شده بود کارشناسان مسائل استراتژیک روسیه اظهار می دارند که روسیه، بر خلاف امیدها و انتظارات واشنگتن و بروکسل، به رقابت تسلیحاتی کشیده نمی شود. روسیه موجودی لازم را دارد که با حداقل مخارج بطور متعادل و نامتقارن به مبارزه طلبی سیستم ضد موشکی آمریکا پاسخ دهد.

اگر اروپاییان می خواهند زیر هدف موشکهای هسته ای روسیه زندگی کنند که پایگاههای دفاع ضد موشکی آمریکا را هدف قرار خواهند داد، این انتخاب خودشان است. مسکو تهدید نمی کند، بلکه فقط هشدار می دهد که مجبور به استفاده از ضد حمله خواهد شد. هیچ جایگزین دیگری برای مسکو باقی نمی گذارند. شاید طرح موشکی آمریکا بهانه یا جرقه ای بود تا مناقشات پنهان در مناسبات قدرتهای بزرگ عیان شود. آمریکاییها به ویژه در عصر نومحافظه کاران، چندین طرح خرد و کلان نظامی را در قلمرو اروپا و اوراسیا به اجرا گذاشتند، آنها حتی در جمهوریهای شوروی سابق، جایی که عمق امنیت ملی روسها خوانده می شود، چند پایگاه نظامی به چنگ آوردند، اما پرسش این است که چرا از میان این همه طرح تهاجمی، ماجرای سپر موشکی، خشم روسها را برافروخته است. آنچه پیدا است، طرح سپر موشکی، چیزی فراتر از ۱۰ سکوی موشکی در لهستان و یک ایستگاه راداری در چک است. زیر نام این طرحها، اکنون یک بازی پیچیده ای میان بازیگران کلاسیک جهان در حال انجام است. آمریکاییها آغازکننده این بازی هستند آنها با این طرح وارد بازی شده اند و روسها نیز برای پس راندن رقیب به تقلایی جهانی دست زده اند.^۱

صدور فرمان اجرای پروژه سپر موشکی: سرانجام پس از چند ماه زمینه سازی و مذاکره برای استقرار سپر موشکی آمریکا در شرق اروپا، مقام های پنتاگون از آغاز مرحله مهم آزمایش این طرح جنجالی در ماه مارس ۲۰۰۷ خبر دادند. مخالفت های روسیه و واکنش برخی کشورها، پروژه موشکی بوش را متوقف نساخت و سران پنتاگون دستور

۱. روزنامه ایران ۱۳۸۵/۱۲/۲۰

مهم خود را برای آزمایش این پروژه صادر کردند. بر پایه این گزارش مرحله آزمایش سپر موشکی در شرایطی انجام می شود که کنگره زیر نفوذ دموکرات‌ها باید در مورد هزینه های پیشنهادی پنتاگون برای «سیستم راداری» در جمهوری چک و ۱۰ پایگاه موشکی در لهستان تصمیم‌گیری کند. کنگره در تصمیم اخیر خود به کاهش ۱۶۰ میلیون دلار از هزینه‌های طرح سپر دفاعی رأی داد. اکنون مقام‌های پنتاگون اظهار امیدواری کرده اند که با موفقیت آزمایش موشکی کنگره را تحت فشار قرار دهند تا این ۱۶۰ میلیون دلار را دیگر بار به پنتاگون بازگرداند. طرح سپر موشکی از سال ۲۰۰۱ و زمانی که بوش بر مسند ریاست جمهوری نشست یکی از اولویت‌های اول کاری وی بوده است. بوش ادعا کرده این طرح را برای مقابله با ایران و کره شمالی تدارک دیده است، اما اغلب ناظران گفته اند، این طرح موقعیت روسیه را به چالش می‌کشد. «میخائیل گورباچف»، رهبر پیشین شوروی ضمن انتقاد از طرح‌های آمریکا در زمینه استقرار سیستم دفاع موشکی در شرق اروپا گفت: این سیستم امنیت بین‌المللی را تهدید می‌کند. دلایل واشنگتن برای استقرار سیستم یادشده مشکوک است. گورباچف افزود: طرح‌های آمریکا، ممکن است سایر کشورها از جمله روسیه را به یک مسابقه تسلیحاتی بکشاند. همزمان با انتقادهای شدیدالحن مقام‌های روسی روزنامه‌های این کشور نیز گزارش دادند بزودی رایزنی‌های سه جانبه‌ای میان ژاپن، آمریکا و استرالیا درباره ایجاد یک سپر دفاع ضد موشکی در منطقه آسیا-اقیانوس آرام انجام می‌شود و این بدان معناست که علاوه بر سیستم دفاع ضد موشکی در اروپا، در نزدیکی مرزهای شرقی روسیه نیز ممکن است چنین سیستمی به وجود آید. به گزارش روزنامه «کامرسانت»، توافقنامه مبتکرانه در این باره در ملاقات مقام‌های بلندپایه وزارتخانه های دفاع سه کشور حاصل شده است، البته استرالیا فعلاً در این زمینه تصمیم قطعی نگرفته، ولی نسبت به این مشارکت ابراز تمایل کرده است.

مقام‌های آمریکا و لهستان به منظور بررسی پیشنهاد واشنگتن درباره سیستم دفاع موشکی با یکدیگر دیدار کردند. «جان رود»، معاون وزیر خارجه آمریکا در امور امنیت بین‌المللی و خلع سلاح به منظور انجام مذاکراتی در زمینه چگونگی تأثیر استقرار سیستم یاد شده بر امنیت لهستان با «ویتولد وازچکوفسکی» معاون وزیر خارجه لهستان دیدار کرد. آمریکا و لهستان ۲۴ اردیبهشت، نخستین دور مذاکرات رسمی خود را در

زمینه سیستم پیشنهادی آمریکا آغاز کردند. اکنون با آغاز عملیات اجرایی طرح سپر موشکی ناظران به انتظار واکنش و پاسخ متقابل روسیه نشسته‌اند، پاسخی که پوتین در اجلاس مونیخ وعده آن را داده بود.^۱

پیشنهاد استقرار سیستم های ضد موشکی آمریکا در قفقاز: در اوایل مارس ۲۰۰۷ یک مقام پنتاگون از قصد وزارت دفاع آمریکا جهت استقرار سیستم‌های ضد موشکی خود در منطقه قفقاز خبر داد. به گزارش هرالد تریبیون، مدیر ژئانس دفاع موشکی آمریکا در بروکسل گفت: ایالات متحده در صدد استقرار سیستم های پدافند ضد موشک های بالستیک در منطقه قفقاز است. مسکو به استقرار سیستم ضد موشکی آمریکا در شرق اروپا به شدت معترض بوده و آن را فراتر از ادعای آمریکایی ها مبنی بر اتخاذ راهکارهای دفاعی در برابر توان موشکی ایران ارزیابی می کند.^۲

در این حال، واکنش ارمنستان بسیار در خور تأمل بود. ارمنستان در واکنش به تصمیم پنتاگون اعلام کرد که هیچ گونه مذاکره ای میان مقامات ارمنی و آمریکایی انجام نشده است. در پی انتشار خبر تصمیم وزارت دفاع آمریکا مبنی بر استقرار سیستم دفاع ضد موشکی در قفقاز، یک مقام وزارت خارجه ارمنستان اظهار داشت: کشور ما هیچ درخواستی در خصوص این امر از آمریکایی‌ها دریافت نکرده است. ولادیمیر کاراپتیان دبیر مطبوعاتی وزارت خارجه ارمنستان در مصاحبه ای اظهار داشت که تا کنون دولت ارمنستان درخواستی از آمریکایی‌ها در این باره دریافت نکرده و هیچ مذاکره ای بین دولت‌ها صورت نگرفته است. آرام مانوکیان، از مسئولان حزب «جنبش ملی ارمنستان»، در مصاحبه‌ای با خبرگزاری «رگنوم» با بیان این مطلب افزود: این نقشه‌های آمریکا و موافقت کشورهای همجوار ارمنستان، هیچ پیامد خوبی برای ارمنستان نخواهد داشت. آذربایجان و گرجستان، حتی اگر شده در آینده‌ای دور، وارد ناتو خواهند شد و ارمنستان، که عضو سازمان پیمان امنیت دسته‌جمعی به شمار می‌آید، چون جزیره‌ای در منطقه تنها خواهد ماند. مانوکیان در سخنانش با بیان این که نقشه‌های اخیر آمریکا را باید ادامه سیاستهای

۱. روزنامه ایران، گزارش خبری، گروه بین الملل، ۱۳۸۶/۳/۵

۲. سایت ایراس، ۱۳۸۵/۱۲/۱۲

این کشور برای هراساندن ایران تلقی کرد گفت: ارمنستان باید هر چه سریعتر موضع خود را مشخص کند. وی از تشریح خطرات احتمالی رادارهای امریکای برای ارمنستان خودداری کرد و گفت: «بیان سخنانی واضحتر در این مورد خاص صحیح نیست، زیرا در این‌جا موضوع امنیت در میان است.»

او خاطرنشان می‌شود که «آن درسی»، سفیر امریکا در آذربایجان اظهار داشته که کوشش قصد استقرار سیستمهای پدافند موشکی را در آذربایجان ندارد و تأکید کرد که این سیستم در نهایت در یکی از کشورهای قفقاز جنوبی استقرار خواهد یافت.

تحولات موشکی و تاثیر آن بر استقرار سپر دفاع موشکی: در سال ۱۳۸۵ تحولات جدیدی در عرصه جهان رخ داد که آمریکا را در توازن نظامی دچار تردید کرد. نخستین تحول آزمایش موفقیت آمیز سیستم موشکی ضد ماهواره ای در چین، و سپس تحویل سیستمهای ضد موشک روسی به ایران و در نهایت آزمایش موشک کروز مافوق صوت توسط هندوستان بود.

ایوانف در ژانویه ۲۰۰۷ گفت: «ما سیستمهای پیشرفته ضد موشکهای کوتاه برد TOR-M1 را طبق قرارداد به ایران تحویل داده ایم.» وی افزود اگر ایران مایل به خرید تجهیزات دفاعی برای نیروهای دفاعی خود باشد، تحت تحریم نیست و مانعی در این زمینه وجود ندارد. اما یک مقام دیگر وزارت دفاع روسیه بعداً خبر داد که تحویل این سیستمها در چارچوب قرارداد یک میلیارد دلاری با ایران هنوز تکمیل نشده است. آمریکا و رژیم صهیونیستی از انعقاد این قرارداد بین ایران و روسیه در مورد فروش موشکهای TOR-M1 انتقاد کرده بودند. روسیه با این استدلال که سیستمهای موشکی تنها از ایران در برابر حملات هوایی دفاع می‌کند و خطری برای همسایگان آن محسوب نمی‌شود، گفته است تحریمهای سازمان ملل علیه ایران شامل موشک نمی‌شود. آمریکا علیه چهار شرکت روسی به دلیل فروش سلاح به ایران و سوریه تحریمهایی اعمال کرده است.^۱ در همین زمان، "آدام ارلی" سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا اعلام کرد که دولت بوش نگران فروش مجموعه موشکهای ضد هوایی (زنیت) "Tor-M1" به ایران می‌باشد

۱. سایت خبری بازتاب، ۲۶ دی ۱۳۸۵

و قصد بررسی این فروش را با مسکو دارد. "ارلی" اعلام کرد: "البته ما معتقدیم که این معامله ایست که به نفع منافع ما و منافع منطقه نمی باشد." "ایران، کشوری حامی تروریسم است، ایرانیان دست به اعمالی زده اند که ما آنها را خصمانه و خرابکارانه می‌شماریم و ما این معامله را نیز در این راستا محسوب می‌کنیم."^۱

آزمایش موشک ضد ماهواره از سوی چین: چین در ماه ژانویه ۲۰۰۷ برای

نخستین بار یک ماهواره را در فضا سرنگون کرد. سخنگوی وزارت امور خارجه چین گفت: "ما قصد نداریم وارد رقابت تسلیحاتی در فضا شویم." پس از اینکه سازمان‌های جاسوسی آمریکا اعلام کردند چین با شلیک موشک یک ماهواره خود را سرنگون کرده است، واشنگتن و متحدان آسیایی‌اش، از این اقدام پکن ابراز نگرانی کردند.

چین پس از ایالات متحده و روسیه سومین کشوری است که هدفی را در فضا سرنگون کرده است. اگر گزارش سازمان‌های جاسوسی آمریکا تایید شود، چین با این آزمایش، می‌تواند ماهواره‌های جاسوسی کشورهای دیگر را سرنگون کند. به گفته یک مقام آمریکایی چین یک ماهواره هواشناسی خود را در فضا هدف قرار داده است که احتمال دارد بر اثر آن زباله‌های فضایی قابل توجهی در مدار زمین تولید شده باشد.^۲ آزمایش موشک ضدماهواره چین توجه همه جهان را به خود معطوف کرد. امروزه کسی باور نمی‌کند که روسیه چین را تهدید بالقوه بشمارد. دیدارهای رسمی مقامات دو کشور و حتی تمرینهای مشترک دو طرف همگی نشانه‌هایی از تحول مثبت در روابط میان روسیه و چین است. پوتین و همتای چینی او از هر فرصتی برای تاکید بر دوستی و رابطه همکاری نزدیک میان خود استفاده می‌کنند. اما آزمایش اخیر چین از دید مسکو پنهان نمانده و با دید دیگری مورد بررسی قرار گرفته است. این توجه ویژه دلایلی دارد.

اول اینکه روسیه دهها ماهواره نظامی و جاسوسی و ارتباطی در مدار زمین و در فاصله نزدیک به زمین دارد که در تیررس موشک‌هایی نظیر آنچه چین به تازگی آن را

۲. ریا نووستی ۲۰۰۵/۱۲/۰۶

3. http://www.radiozameh.org/news/2007/01/post_716.html

آزموده است. قرار دارد. روسیه این ماهواره‌ها را «گوش و چشم» خود می‌داند و برای امنیت خود به این گوشها و چشمها امید زیادی بسته است.

دلیل دومی که نگرانی روسیه را نسبت به این آزمایش برمی‌انگیزد آن است که از فردای این آزمایش، روسیه یکی از امتیازات و ویژگیهای برتری خود را نسبت به چین از دست داد. توان نظامی چین همچنان بسیار عقب تر از روسیه است اما اکنون چین به توانایی جدیدی دست یافته که روسیه و آمریکا در دهه ۱۹۸۰ به آن دست یافته بودند و به این خاطر به خود می‌بالیدند. در سالهای اخیر چین با رشد اقتصادی و تجاری خود در حال تبدیل شدن به ابرقدرت آسیاست. روسیه هم با پشتوانه نظامی خود چندان نگران این قدرت گرفتن نبود، اما اکنون این پشتوانه دیگر وجود ندارد. اینکه روسیه چگونه به حرکت پرشتاب چین به سوی سلطه نظامی و پیشرفته واکنش نشان می‌دهد موضوع حساسی است که بر آینده روابط بین‌الملل تاثیر خواهد گذاشت.^۱

گسترش بازار سلاح های روسی در جهان: در سالهای اخیر روسیه توانسته با کنار زدن آمریکا از بازارهای فروش سلاح و شکستن انحصار طولانی واشنگتن بر این بازارها به یکی از مهمترین تأمین کنندگان اسلحه برای آمریکای لاتین تبدیل شود. روابط امنیتی دو جانبه و روبه رشد مسکو با کشورهای آمریکای لاتین، سبب نگرانی آمریکا شده است. این بررسی‌ها شامل گزارش‌های رسمی و همچنین افشای اخباری پیرامون ارتباط تسلیحاتی روسیه با کشورهای آرژانتین، پرو، کوبا، کلمبیا و مکزیک در زمینه تحویل هواپیماهای جنگنده و نفربر، هلی کوپتر، موشک، سیستم های پدافند دفاعی، تانک، لنج زیردریایی و حتی اسلحه‌های سبک روسی است.

براساس این بررسی‌ها، نمی‌توان انکار کرد که در یک مرحله معین فروش سلاح‌های نظامی روسیه به تدریج چشم انداز ژئو-امنیتی این کشورها را تغییر می‌دهد. همچنین احتمال نمی‌رود که این نتایج سبب خشنودی سیاست‌گذاران آمریکایی شود. این گزارش با استناد به اعداد و ارقام به دست آمده گویای آن است که روسیه میان سال های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۱ سلاح‌هایی به ارزش ۳۰۰ میلیون دلار و در سال‌های ۲۰۰۲

۱. همپنری آنلاین

تا ۲۰۰۵ تسلیحاتی به ارزش ۶۰۰ میلیون دلار در اختیار کشورهای آمریکای لاتین گذاشته است.

البته کنگره آمریکا پیش بینی چنین رشدی را در واگذاری سلاح‌های روسی به آمریکای لاتین در چند سال آینده کرده بود. حال این پرسش مطرح می‌شود که چرا این اتفاق‌ها تنها در حیطه خلوت آمریکا رخ می‌دهد، در حالی که واشنگتن همیشه از این کشورها به عنوان کشورهای زیر مدار ۳۰ درجه عرض جغرافیایی جنوبی یاد کرده است؟ پاسخ این پرسش در وهله نخست چندان روشن نیست. نه تنها برخی از کشورهای آمریکای لاتین در سالهای اخیر گرایش به چپ داشته‌اند. بویژه کشورهای برزیل، بولیوی، ونزوئلا و نیکاراگوئه - بلکه سران این کشورها معتقدند آمریکا سیاستی خودخواهانه در منطقه دارد و حاضر نیست برای حفظ روابط برابر و همکاری سودمند با همسایگان جنوبی کاری انجام دهد. به علاوه، کنترل سرسختانه که ایالات متحده همواره بر دولت‌های آمریکای لاتین و سیاست خارجی و توسعه اقتصادی اعمال کرده، اخیراً تا اندازه‌ای کاهش یافته است. واشنگتن در حال حاضر با مشکلات فراوانی در خاورمیانه روبرو است و نزاع عراق و افغانستان نشان می‌دهند هنوز از شدت جنگ کاسته نشده است. ایران نیز با عدم پذیرش قطعنامه سازمان ملل مخالفت خود را با آمریکا آشکار کرده است. به نظر می‌رسد آمریکا نه تنها روابط خوبی با هم پیمانان استراتژیک خود یا اعضای ناتو ندارد، بلکه با فرانسه و آلمان نیز بر سر اشغال عراق اختلاف دارد. همه این مسائل نشان دهنده فروپاشی الگوی جهان تک قطبی است.

علاوه بر این، روش‌های معمول واشنگتن در اعمال فشار بر حکومت‌های آمریکای جنوبی، یعنی استفاده از تحریم‌های اقتصادی کارایی چندانی ندارند. آمریکا دیگر نه در ونزوئلا و نه در کلمبیا احساس خوش گذشته را ندارد. خودداری آمریکا از تأمین قطعات یدکی جنگنده‌های اف ۱۶ ونزوئلا، هوگو چاوز را مجبور کرد تا به خرید جدیدترین جنگنده‌های SU 30 MK چندمنظوره از روس‌ها مبادرت کند. مسکو نمی‌توانست به درخواست ونزوئلا پاسخ منفی دهد چون صادرات اسلحه منافع سرشاری را در بخش دفاعی عاید این کشور می‌کند لذا علاقه و اشتیاق به کسب درآمد به منظور توسعه اقتصادی و ارتقا توان بخش دفاعی روسیه محور اصلی مذاکرات کرملین با شرکای سابق آمریکا خواهد بود. کمپانی روزوبورون اکسپورت که تنها فروشنده سلاح‌های روسی در

زمینه صادرات و واردات تجهیزات نظامی است می‌گوید ما سلاح‌های روسی را با هدف خارج کردن آمریکا از بازار جهانی به کشورهای آمریکای لاتین نمی‌دهیم. با وجود تسلط آمریکا در منطقه حضور روسیه تأثیر کم رنگی دارد و با مراجعه به کتاب‌های مرجع می‌توان به راحتی از جزئیات تجهیزات نظامی و اسلحه‌های کمک شده به هر ارتش منطقه ای، نیروی هوایی یا دریایی آگاه شد. همان طور که ایالات متحده در چالش با منافع تجاری روسیه، در نظام جماهیر شوروی موفق به شکست آن شد روسیه امروز تکلیف خود می‌بیند تا تجارت خود را در آمریکای مرکزی و جنوبی گسترش دهد. بده بستان و تجارت در دنیای دیپلماسی هنوز منع نشده است. از سویی دیگر، این مسکو نیست که سلاح‌های خود را به کشورهای آمریکای لاتین تحمیل می‌کند، بلکه خود این کشورها خواهان این سلاح‌ها هستند. شاید به خاطر این است که این سلاح‌ها به خوبی و یا حتی بهتر از سلاح‌های آمریکایی هستند. کارایی این سلاح‌ها در میدان جنگ کمتر از سلاح‌های آمریکایی نیست که از آنها ارزانتر هم هستند. نکته اصلی اینجاست که مسکو برخلاف واشنگتن تجارت اسلحه را به عقاید سیاسی دولت گره نمی‌زند. روسیه جدید درس‌های فراوانی از اشتباه‌های شوروی آموخته است.

هند و آزمایش موفق موشک کروز مافوق صوت: منابع رسمی هند اعلام کردند که دهلی نو در اواخر مارس ۲۰۰۷ مدل زمین به زمین موشک کروز مافوق صوت براهموس را با موفقیت آزمایش کرده‌است. توسعه این مدل از موشک کروز مافوق صوت به طور مشترک توسط روسیه و هند صورت گرفته‌است. یک مقام هندی در این خصوص به خبرگزاری فرانسه گفت: آزمایش موشکی هند یک آزمایش متداول بوده است. این موشک آخرین بار در چهارم فوریه ۲۰۰۷ آزمایش شده بود. آزمایش موشک هند ۱۰ روز پس از آزمایش موفقیت آمیز موشک آگنی، یک موشک میان برد که برای اولین مرتبه به دهلی نو این توانایی را خواهد داد که اهدافی داخل چین را هدف قرار دهد، انجام شد. ارتش هند قصد دارد که در سال ۲۰۰۷ امور موشکی خود را توسعه دهد. یک مدل دیگر از موشک براهموس قبلاً توسط نیروی دریایی هند مورد استفاده قرار گرفته بود. منابع

۱. خبرگزاری ریانووستی، به نقل از روزنامه ایران ۱۳۸۵/۱/۲۶.

۲. ترجمه آزاده حاج اسفندیاری.

دفاعی هند اعلام کردند که دهلی نو و مسکو در حال کار بر روی توسعه یک موشک مافوق صوت که از مدل جدید پیشرفته تر است، می باشند. ایالات متحده بشدت نگران منطقه اوراسیاست. این نگرانی در ارتباط با ناکامی آمریکا در دستیابی به برقراری ثبات و آرامش در افغانستان و عراق بیشتر افزایش یافته است. به همین سبب طرح سپر موشکی آمریکا به زعم این کشور ابتکاری برای جلوگیری از ناآرامیها و ناامنیهایی است که ممکن است در منطقه اوراسیا و خاورمیانه منافع حیاتی آمریکا را به مخاطره اندازد. آزمایش موشکهای هدایت شونده ایران و تسلیحات استراتژیک جدیدی که از سوی ارتش ایران، به نمایش گذاشته شده است، سبب احساس خطر از سوی آمریکا شد. اما ابتکار آمریکا در منطقه اروپا و به بهانه دفاع از حریم اروپا، بیشتر در جهت منافع امریکاست تا اروپا. با این حال اروپای متحد که در دهه گذشته به فکر تاسیس ارتش واحد اروپایی و تغییر در ساختار ناتو بود، پس از ۱۱ سپتامبر و تبلیغات منفی آمریکا و عملیاتی که در اسپانیا و انگلستان رخ داد، این بار خود تمایل زیادی به ابتکار آمریکا از خود نشان دادند. این تحولات منجر به ایجاد جو ناامنی و هراس از حمله تروریستی شد. به همین سبب ابتکار آمریکا در استقرار سامانه های دفاع موشکی در لهستان و چک، به بهانه تهدید موشکی ایران و کره جنوبی را هیچ دولتی باور نکرد. طبیعی بود که روسیه این ابتکار را به ضرر خود ارزیابی کند و از آمریکا بخواهد که از این کار صرف نظر کند. اما این مساله به موضوعی منطقه ای و جهانی تبدیل شد. اکنون باید ملاحظه کرد که روسیه چه اقداماتی در این زمینه می تواند انجام دهد. واکنشهای عملی روسیه به این طرح چگونه می تواند باشد؟

الف- انتقاد از برقراری سیستم سپر دفاعی،

ب- مذاکره برای انصراف آمریکا از اجرای این طرح و جلوگیری از ایجاد فضای مسابقه تسلیحاتی جدید،

ج- ایجاد سیستمهای ضد موشکی قوی تر برای تفوق بر این سیستمها،

د- تهدید روسیه به خروج از پیمانهای متقابل استراتژیک

الف - انتقاد از برقراری سیستم دفاع موشکی

رئیس جمهور روسیه با رد ادعاهای آمریکا درباره این که این سیستم دفاع موشکی از اروپا در مقابل تهدیدهای موشکی ایران حمایت می کند، گفت: استقرار چنین سیستمی به طور مستقیم بر روسیه تأثیر دارد. تمام پاسخ های ما متناسب، اما به مراتب مؤثرتر خواهد بود. دلایلی که آمریکا برای استقرار سیستم های دفاع ضد موشکی در اروپا می آورد، قانع کننده نیست. پوتین در پاسخ به پرسشی مبنی بر این که آیا بیشتر شدن تماس های روسیه با کشورهای حاشیه خلیج فارس مرتبط با حضور نظامی - سیاسی آمریکا در منطقه است؟ اظهار داشت: ما قصد رقابت با این کشور و یا کشور دیگری را در این منطقه و یا منطقه دیگر نداریم.

گفته می شود پوتین پس از سپری کردن دو دوره ریاست جمهوری در روسیه، در سال ۲۰۰۸ ریاست گاز پوم (شرکت عظیم گاز و نفت روسیه) را بر عهده خواهد گرفت.^۱ پیشنهاد آمریکا مبنی بر استقرار سیستم دفاع موشکی در کشورهایی که در گذشته عضو پیمان ورشو بوده اند تهدیدی آشکار علیه روسیه محسوب می شود. ژنرال ولادیمیر پوپوکین رییس بخش فضایی ارتش روسیه، که مسوولیت یافتن موقعیت موشک ها بر عهده است ضمن بیان مطلب فوق افزود: تحلیل ما حکایت از آن دارد که استقرار یک سیستم راداری در جمهوری چک و یک سیستم دفاع موشکی در لهستان آشکارا تهدیدی علیه روسیه است. در ۲۰ ژانویه ۲۰۰۷ نخست وزیر جمهوری چک از استقرار یک سیستم راداری در این جمهوری در چارچوب سیستم دفاع موشکی جهان خبر داد. آمریکا مذاکراتی را با جمهوریهای چک و لهستان برای استقرار سیستم دفاع موشکی در شرق اروپا انجام داده است، این کشورها که پیش از این عضو پیمان ورشو بودند اکنون در ناتو عضویت دارند. آمریکا در نظر دارد تنها یک سیستم راداری در جمهوری چک نصب کند و سیستمهای پرتاب موشک را در لهستان.

پس از اتخاذ چنین تصمیمی از سوی آمریکا، اندری کوکوشین یکی از روسای پیشین شورای امنیت ملی روسیه که اکنون ریاست کمیته روابط با جمهوریهای سابق شوروی در دوما روسیه را عهده دار است، نسبت به اتخاذ تصمیمی جهت مقابله به مثل با

۱. همشهری آنلاین، گروه بین الملل

این تصمیم آمریکا هشدار داده است. در حالی که مقامات آمریکایی ادعا کرده‌اند این سیستم موشکی برای دفاع از اروپا در برابر موشک بین قاره‌ای، که ممکن است از نقاط دیگر جهان شلیک شوند، استقرار می‌یابند، روسها معتقدند که استقرار این موشکهای دفاعی آمریکا در شرق اروپا تعادل نظامی در این قاره را برهم خواهد زد و دوره‌ای از رقابت گسترده تسلیحاتی را در پی خواهد آورد.

وزارت امور خارجه روسیه برنامه ایجاد سیستم دفاع ضد موشکی آمریکا در اروپا را گامی اشتباه نامید. میخائیل کامینین سخنگوی وزارت امور خارجه روسیه اعلام کرد مسکو معتقد است که ایجاد سیستم دفاع ضد موشکی آمریکا در اروپا گامی اشتباه و برای امنیت بین المللی عواقب منفی به دنبال خواهد داشت. وی گفت: "ایجاد پایگاههای ضد موشکی آمریکا بعنوان تغییر ماهیت حضور نظامی آمریکا در اروپا تلقی می شود. کامینین تاکید کرد که دید منفی روسیه نسبت به تصمیم آمریکا برای ایجاد به اصطلاح سومین مکان سیستمهای دفاع ضد موشکی کاملا آشکار است. وی خاطر نشان کرد: "هر چه که به ما دلایل دیگری نشان دهند مبنی بر اینکه این پایگاه بر علیه روسیه نیست ما نمی توانیم اهمیت استراتژیک که نظامیان آمریکایی برای این منطقه قائل هستند را در نظر نگیریم. به گفته کامینین وجود چنین پایگاهی در نزدیکی مرزهای روسیه عاملی خواهد بود که روسیه باید در حین تعیین گامهای خود در زمینه نظامی-سیاسی و همچنین در ساختار عملی نظامی خود در نظر بگیرد."

ب - مذاکره برای انصراف آمریکا از اجرای این طرح و جلوگیری از ایجاد فضای مسابقه تسلیحاتی جدید

با وجود آنکه اتحادیه اروپا سعی دارد اتخاذ یک موضع واحد را در مورد سیستمهای موشکی ایالات متحده وانمود کند، مقاصد واشنگتن از راه اندازی سیستم ضد موشکی در لهستان و جمهوری چک، عامل فشار بر گفتگوهای سیاسی و استراتژیک روسیه و غرب است. دلایل ارائه چنین پیشنهادی بسیار ساده بنظر می‌رسد. از آنجا که کرملین بیم آن

دارد که پروژه‌های موشکی ایالات متحده، موجب برهم خوردن تعادل استراتژیک اروپا شود. بنابراین می‌تواند با پیشنهاد مشارکت در توسعه سیستم‌های موشکی، این سیستم را علیه تهدیدهای متوجه خود و کشورهای مزاحم بکار بگیرد. برای مثال، در حالی که ایجاد یک سیستم دفاع ضد موشکی در لهستان و جمهوری چک برای مسکو غیرقابل کنترل و تهدیدزا بنظر می‌رسد، یک سیستم دفاع ضد موشکی چند جانبه با مشارکت روسیه می‌تواند قابل پذیرش تر باشد. با وجود انکار روسیه در مورد ارائه چنین پیشنهادی برای میزبانی برخی از عناصر سیستم دفاع ضد موشکی، علایمی وجود دارد که حاکی از تلاش‌های جدی مسکو برای کاستن تنش و همچنین شروع تازه یک گفتگوی استراتژیک است. در ۲۹ مارس سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه بر مذاکره ایالات متحده، اتحادیه اروپا و روسیه در خصوص مسئله دفاع موشکی تأکید کرد بنظر می‌رسد واشنگتن امکان گفتگوهای بیشتر را در این مورد به نشست بعدی روسیه و ناتو واگذار کرد. رئیس آلمانی اتحادیه اروپا به چند دلیل مهم از پیوستن روسیه به طرح‌های واشنگتن جهت به روزرسانی تکنولوژی ضد بالستیک خوشحال است.

اول آنکه برلین در پی آن است تا نقش اتحادیه اروپا را در روابط بین آتلانتیکی ارتقاء بخشد، در سالهای اخیر بخاطر تنش موجود در اروپا- آتلانتیک بر سر عراق، روابط بین واشنگتن و بروکسل روبه کاهش گذاشته است که خود این امر باعث شد ایالات متحده بصورت گزینشی روابط خود با برخی از کشورهای اروپایی را دنبال کند که در نتیجه موجب کم شدن اهمیت و نفوذ بروکسل می‌شود.

دوم آنکه برلین خواهان آن است که روابط عالی خودش را با روسیه حفظ کند چرا که روسیه یک شریک تجاری، صنعتی و فنی قطعی برای آلمان و دیگر اعضای اتحادیه اروپا بشمار می‌رود.

سوم آنکه با وجود برگزاری جشن پنجاهمین سال تشکیل اتحادیه اروپا، مرکل صدراعظم آلمان بطور آشکار اعلام کرد اروپا باید تلاش خود را برای بکارگیری سیاست دفاعی و امنیتی بلندپروازانه بکار بگیرد. شگفت‌آور نیست که هم فرانک والتر اشتاین مایر وزیر خارجه آلمان و هم خاویر سولانا رییس کمیسیون خارجی اتحادیه اروپا از طرفداران اصلی دخالت ناتو در پروژه سیستم‌های ضد موشکی و در پی آن افزایش نقش مذاکره اتحادیه اروپایی بر سر این موضوع هستند. بهر حال، برای آلمان و دیگر

اعضای اتحادیه اروپا که در این موضوع درگیرند حل این مسئله به چند دلیل آسان نخواهد بود:

- ایالات متحده و روسیه در حال گذراندن یک دوره بی‌اعتمادی متقابل می‌باشند.
- از آنجا که ایالات متحده در صدد است سریع‌السیستم دفاع ضد موشکی خودش را به روز کند، در نتیجه با افزایش توانایی موشک‌های بالستیک ایران، روابط بین روسیه و ایران را یک خطر برای خود قلمداد می‌کند.
- ناتو در حال جستجو برای یک هویت جدید است چرا که جنگ افغانستان در سال ۲۰۰۱ و جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ اختلاف بین واشنگتن و بروکسل را بر سر نقش ناتو آشکار کرد.

در نهایت، آنکه ایالات متحده برای انجام مذاکره با روسیه و ناتو در مورد سیستم‌های موشکی راضی بنظر می‌رسد؛ ولی در عین حال نگران آن است که چندجانبه‌گرایی در این موضوع موجب کند شدن تکمیل سیستم‌های دفاع موشکی و کاهش آزادی واشنگتن برای انجام آنچه خود می‌خواهد شود. واضح است که تلاش‌های ایالات متحده جهت وارد کردن اوکراین، گرجستان و آذربایجان در این طرح امنیتی غربی موجب ادامه تیرگی روابط واشنگتن و مسکو می‌شود و در نتیجه ادامه انجام گفتگو بین این دو کشور را مشکل خواهد ساخت. با این حال هدف آلمان جهت بازسازی روابط امنیتی اروپا، روسیه، آمریکا از طریق قرار دادن اتحادیه اروپا در مرکز این روابط استراتژیک که ناتو ابزار اصلی آن به حساب می‌آید، مشکل بنظر می‌رسد، مرکل و قانونگذاران آلمانی بر چنین راه‌حلی تأکید دارند. اتخاذ تصمیم در مورد این مسئله در شش ماه آینده قطعی خواهد بود که اساساً شانس اروپا را برای ایجاد یک سیاست امنیتی منسجم و واحد تحت تأثیر قرار می‌دهد. دولت‌های اتحادیه اروپایی جهت افزایش نقش خویش در آینده، نیاز به اتخاذ یک موضع واحد و تصمیمات درون اتحادیه‌ایی خواهند داشت.

"پوتین" در ۲ جولای ۲۰۰۷ پیشنهاد کرد یک سیستم دفاع ضد موشکی گسترده برای اروپا با همکاری پیمان آتلانتیک شمالی ایجاد شود که به گفته وی، این سیستم پایگاه‌های ضد موشکی آمریکا در لهستان و جمهوری چک را بلااستفاده خواهد کرد.

پوتین اظهار داشت: این امکان وجود دارد که تعداد کشورهای علاقه‌مند به حضور در چارچوب همکاری شورای روسیه - ناتو برای سیستم دفاع ضد موشکی در اروپا افزایش یابد. این در حالی است که بوش بر لزوم همکاری روسیه و آمریکا برای سیستم دفاعی اروپا تاکید کرد. پوتین همچنین پیشنهاد ایجاد یک مرکز تبادل اطلاعات در مسکو را مطرح کرد و گفت: وقت آن رسیده است که این پیشنهاد عملی شود.

تعدادی از کشورهای اروپایی از جمله انگلیس، لهستان و جمهوری چک در حال مذاکره برای استقرار بخشی از طرح دفاع موشکی آمریکا با عنوان "سپر جنگ ستارگان" در خاک خود هستند. کشورهای دیگر اروپایی به علت افزایش اعتراض روسیه با این طرح مخالفت کرده‌اند. منتقدان این طرح در انگلیس که از دوران جنگ سرد، امکانات راداری را در اختیار آمریکا قرار داده است، معتقدند احداث پایگاه‌های جدید برای محافظت از آمریکا، کشور آنان را به هدفی احتمالی برای کشورهای متخاصم تبدیل خواهد کرد.^۱

وزیر خارجه روسیه در دیدار از بیشکک در ۹ جولای ۲۰۰۷ اظهار داشت که طرح آمریکا برای استقرار سامانه ضد موشکی خود در لهستان و چک می تواند تاثیری منفی بر اوضاع در آسیا داشته باشد. لاوروف در پاسخ به سوال خبرنگاران در رابطه با واکنش سازمان همکاری شانگهای نسبت به طرح آمریکا گفت: "ما مسئله استقرار سیستم دفاع ضد موشکی آمریکا در اروپا را بطور ویژه بررسی نکردیم. اما می بینیم که پیامدهای اقداماتی یکسویه در اینجا نیز دیده می شوند، بویژه با در نظر داشتن ترکیب اعضا و ناظرین در سازمان همکاری شانگهای". وزیر امور خارجه روسیه یقین دارد که پیشنهاد "پوتین" درباره استفاده مشترک با آمریکا از ایستگاه راداری قبله (گابال) در آذربایجان، در صورت امتناع آمریکایی ها از استقرار سامانه ضد موشکی خود در اروپا بررسی می شود. روسیه علاوه بر استفاده مشترک از ایستگاه راداری قبله در آذربایجان پیشنهاد داده بود که در آینده برای ساخت سیستم جهانی دفاع ضد موشکی، ایستگاهی راداری راه اندازی کند که هم اکنون در آرماویر (کرانه کراسنودار، جنوب روسیه) در دست ساخت است. "سرگی ایوانوف" معاون اول نخست وزیر روسیه معتقد است که سیستم جهانی

دفاع ضد موشکی با تامین دسترسی برابر به آن نه تنها برای آمریکا و روسیه و بلکه برای کشورهای اروپایی، می تواند تا سال ۲۰۲۰ ساخته شود.^۱

پوتین در دیدار خود با رایس بر موضع روسیه در رابطه با استقرار سیستم دفاع ضد موشکی آمریکایی در اروپا تاکید نمود. روسیه مخالف استقرار سپر ضد موشکی آمریکا در اروپا است، چرا که توضیحات آمریکا مبنی بر این که سیستم دفاع ضد موشکی برای محافظت آمریکا از موشکهای بالستیک ایران و کره شمالی مورد نیاز است را بی اساس می داند. با وجود پیشنهادهای همکاری و مذاکرات زیاد ایالات متحده بکار خود ادامه داد و بدون توجه به پیشنهادهای روسیه، در تصمیم خود برای استقرار سیستم سپر دفاع موشکی در اروپا استوار ماند.

پیشنهاد پوتین، در این مورد که آمریکا و روسیه می توانند به صورت مشترک از ایستگاه رادار قبله در خاک جمهوری آذربایجان استفاده کنند، در هنگام دیدار وی با بوش مطرح شد. روسیه طرح آمریکا برای استقرار سپر دفاع موشکی در اروپای شرقی را تهدیدی برای خود می داند و در مقابل پیشنهاد داده که آمریکا از رادار قبله در شمال جمهوری آذربایجان به صورت مشترک با روسیه استفاده کند. ایستگاه رادار قبله^۲ Gabala، بنای بتونی عظیمی است که بیش از هر چیز دیگری در این منطقه مجاور با کوههای قفقاز در نزدیکی مرز روسیه به چشم می آید. این ایستگاه جزئی از سیستم دفاعی روسیه است که از زمان شوروی برای ردگیری موشکهای شلیک شده با برد شش هزار کیلومتر مورد استفاده بوده است. این ایستگاه عملکردی کاملاً محرمانه دارد و با ایستهای بازرسی و حصارهای الکتریکی محافظت می شود. پیشنهاد پوتین، برای استفاده مشترک از ایستگاه رادار قبله در پروژه دفاع موشکی مایه تعجب بسیاری در این کشور کوچک شوروی سابق شد. الهام علی اف، رئیس جمهوری آذربایجان واکنش مثبتی نسبت به این پیشنهاد پوتین از خود نشان داده و گفته که این امر می تواند به نفع منافع

۱. بیشکک، خبرگزاری نووستی ۱۳۸۶/۰۴/۱۸

۲. قبله نقطه ای واقع در دامنه های جنوبی رشته کوههای قفقاز بزرگ در جمهوری آذربایجان است. این نقطه منطقی‌های باستانی است که پایتخت قدیم آلبانیای قفقاز در آن مستقر بود. پایتخت آلبانیای قفقاز کابالا، نام داشت که در منابع اسلامی و ترکی به صورت قَبْلَه و لاتین به صورت Kabala، Qabala، Ghabalab نوشته می شود. روسها آن را گابال می نویسند.

استراتژیک این کشور باشد^۱. خلف خلف اف، معاون وزیر خارجه آذربایجان در کنفرانس مطبوعاتی دیدار وزرای خارجه کشورهای حوزه دریای خزر اعلام کرد که کشورش از پایگاه راداری قبله علیه همسایگان استفاده نخواهد کرد. ما بر این باوریم که این پایگاه هر گونه که استفاده بشود، منافاتی با منافع کشورهای ثالث نخواهد داشت. به گفته وی، از پایگاه راداری قبله فقط برای تأمین ثبات جهانی، تحکیم صلح و توازن راهبردی استفاده می‌شود. خاطر نشان می‌شود که روسیه چندی پیش به امریکا پیشنهاد کرد به جای استقرار سامانه پدافند موشکی در اروپای شرقی، به‌طور مشترک از پایگاه راداری قبله در آذربایجان استفاده شود. کشورهای عضو ناتو این پایگاه را برای دفاع کامل در برابر تهدیدات موشکی کافی نمی‌دانند.

سرتیپ "یوگنی بوژینسکی" رییس اداره بین‌المللی-قراردادی وزارت دفاع روسیه اطلاع داد که روسیه به طرفین ذینفع پیشنهاد می‌کند که از رادار در حال احداث در "آرماویر" برای ردیابی برنامه موشکی ایران استفاده کنند. وی گفت: "ما به آمریکا پیشنهاد کردیم که از رادار "گابال" و رادار در حال احداث در "آرماویر" برای ردیابی برنامه موشکی ایران و کشورهای دیگر به‌طور مشترک استفاده کنیم. به محض اینکه (از سوی ایران) اولین پرتاب آزمایشی را ردیابی کنیم حداقل پنج سال زمان برای مقابله با این تهدید خواهیم داشت". وی گفت که بر اساس گزارشات موجود طی ۱۵-۲۰ سال آینده هیچ تهدید موشکی از سوی ایران نخواهد بود. ایران در حال حاضر نه تنها توانایی تولید موشکهای قاره پیما را ندارد بلکه موشکهایی با برد ۵-۶ هزار کیلومتر را هم نمی‌تواند ایجاد کند^۲.

ج - مقابله و ایجاد سیستمهای ضد موشکی

روزنامه انگلیسی فاینانشال تایمز چندی پیش دومین مقاله "سرگی لاوروف" وزیر امور خارجه روسیه با عنوان "دفاع ضد موشکی اروپا: پروژه ای جمعی؟" را منتشر نمود. وزیر خارجه روسیه خوانندگان را متقاعد می‌کند که اجرای طرح یکسویه در زمینه دفاع ضد موشکی، بطور چشمگیری نمای جغرافیایی- استراتژیک اروپا را تغییر داده و منافع

۱. سایت بی بی سی، متیو کالین خبرنگار بی بی سی در قفقاز . ۲۷ خرداد ۱۳۸۶

۲. خبرگزاری «نووستی»، مسکو، ۲۷ تیر ۱۳۸۶

امنیتی قاره پیر را تحت تأثیر قرار می دهد. وی معتقد است که استدلال آمریکا درباره اینکه موشکهای ایران تهدیدی برای اروپا و آمریکا هستند، بی اساس می باشند. تهران در چشم اندازی قابل دیدرس امکان تهدید کشورهای اروپایی و آمریکا با موشک را نخواهد داشت. "ویتالی چورکین" نماینده دائم روسیه در سازمان ملل متحد نیز چنین عقیده ای را ابراز داشت. وی در نشست کمیسیون خلع سلاح سازمان ملل متحد گفت: "استقرار تجهیزات استراتژیک نظامی آمریکا در کشورهای نزدیک به مرز روسیه، نمی تواند سبب نگرانی نشده و این اقدام تدابیری متعادل را مطالبه می کند". وی تأکید نمود که روسیه، به اجرای برنامه استقرار سپر ضد موشکی آمریکا بعنوان تدبیری دفاعی نگاه نمی کند و افزود که این برنامه موازنه استراتژیک در جهان را بر هم زده و منجر به ایجاد پتانسیل اولین ضربه خلع سلاح کننده می شود.

"دمیتری پسکوف" معاون دبیر مطبوعاتی ریاست جمهوری فدراسیون روسیه نیز نظر مشابهی را در مصاحبه با روزنامه انگلیسی گاردین اعلام نمود. وی از طرحهای آمریکا اظهار یاس نموده و نگرانی کرملین را اعلام داشت. وی گفت: "هیچگاه پیش از این درباره چنین طرحهایی به ما چیزی نگفته بودند. ما خود را فریب خورده احساس می کنیم. ما بالقوه مجبور به ساخت جایگزینی برای آن اما با هزینه کمتر و تأثیر بیشتر می شویم". "کنستانتین کاساچف" رئیس کمیته مجلس دومای روسیه در امور بین الملل و ژنرال "ولادیمیر بلاتوس" کارشناس برجسته روسیه در زمینه توانایی ضد موشکی و سایر کارشناسان نظامی نیز طرح آمریکا برای "دفاع از خاک خود توسط سپر اروپایی" را به باد انتقاد گرفتند. روزنامه گاردین مقاله ای را منتشر نمود که تأیید می کند "روسیه در پاسخ به سیستم ضد موشکی تهدید به جنگ سرد می کند" و روزنامه آمریکایی کریستین ساینس مانیتور اعلام کرد که در امر استقرار سپر ضد موشکی آمریکا در لهستان و چک، "روسیه بین کشورهای اروپایی تفرقه ایجاد می کند". "یاپ دی هوپ شیفر" دبیر کل ناتو نیز از تصمیم واشنگتن حمایت می کند. وی اعلام داشت که ده سکوی ضد موشکی آمریکایی هیچ خطری را برای روسیه ای که دارای صدها موشک استراتژیک و هزاران کلاهک هسته ای است، تهدید نمی کند و نمی تواند تهدید کند. ظاهراً دورنمای استقرار سیستم ضد موشکی آمریکا در اروپا در حال حاضر جنگ روانی-اطلاعاتی را با حملات و ضدحمله های خود برانگیخته است و مانورهای آن بسیار شبیه به رویارویی نظامی ارتشها

در جنگ است. این جنگ تا زمان برگزاری نشست روسیه- ناتو، تهدیدی برای ایجاد شکاف در اروپای پیر است و نه تنها شکاف عمیقی بین روسیه و اتحادیه اروپا می‌سازد، بلکه نیروهای سیاسی در داخل خود اروپا را نیز دچار اختلاف می‌کند. همه کشورها تصمیم‌واشنگتن را مورد پشتیبانی قرار نمی‌دهند و در سایر کشورهای اروپایی نیز مقاماتی رسمی که در یک دولت کار می‌کنند در ارزیابی از پیامدهای پدیدار شدن عناصر ضد موشکی کشوری دیگر برای آینده اتحادیه اروپا اختلاف نظر دارند.

استدلال لاوروف، چورکین، پسکوف، کاساچف و پیش از آنها، اظهارات "یوری بالوفسکی" رئیس ستاد کل نیروهای مسلح روسیه و "نیکلای سلوفتسوف" فرمانده نیروهای موشکی استراتژیک روسیه و سایر کارشناسان، تاییدات نمایندگان دولت آمریکا و ناتو درباره اینکه استقرار این سیستمها در لهستان و چک برای دفاع از موشکهای ایران و کره شمالی است را در هم می‌شکنند. در مسکو یقین دارند که این حقیقت نیست.

"پوتین" در دیدار با خبرنگاران کشورهای غربی گروه هشت اعلام داشت که اگر طرح آمریکا برای استقرار سیر ضد موشکی در این قاره تحقق یابد، موشکهای روسیه اروپا را هدف خواهند گرفت. در عین حال بعقیده کارشناسان، مسئله کنونی از بسیاری لحاظ ریشه در مشکلات آمریکا- روسیه و نه روسیه- لهستان و یا روسیه - چک دارد.

"آنتولی تسیگانوک" مدیر مرکز پیشبینی‌های نظامی توضیح داد: "اگر آمریکایی‌ها سیستم دفاع ضد موشکی را مستقر کنند، روسیه حق دارد زیر زمین‌ها و رادارها را بازرسی کند. اما روسیه با چک و لهستان چنین توافقاتی ندارد، چرا که درباره مسائل مربوط به آگاه‌سازی متقابل، صحبتی نشده است".

"ادوارد واروبیه" ژنرال بازنشسته و کارشناس مشهور نظامی معتقد است که با استقرار سیستم دفاع ضد موشکی در لهستان و چک برای اروپا و ناتو، مسئله‌ای طرح شده است، اما همچنان جا برای مذاکرات وجود دارد. وی گفت: "این امتحانی در کلام است تا دید که غرب چگونه واکنش نشان می‌دهد. پس از چنین اعلامیه‌هایی باید گام‌هایی عملی برداشته شوند، اما نه آنچه که برخی از "شاهین"‌ها می‌فهمند. غرب روسیه را به شعله‌ور سازی "جنگ سرد" جدید متهم می‌کند، و برای اینکه غرب را متقاعد نمود، نیاز به گام‌هایی در راستای جلوگیری از اختلاف نظرات است". کارشناسان روسی، نگران امکان آغاز رقابت تسلیحاتی جدید هستند. "یوری کوبالادزه" مدیر ایکس - ۵ یقین دارد که

"پاسخ به این امر باید متقارن باشد، و نه چیزی که ما را به سمت تشدید رقابت سوق دهد". در عین حال وی معتقد است که "ما در هر صورت باید نسبت به نزدیک شدن موشکها به مرزهای خود واکنش دهیم". برای "سرگی کاراگانوف" دبیر هیئت رئیسه شورای سیاست خارجی و دفاعی روسیه، مسئله مربوط به اهداف این موشکها از اولویت برخوردار نیستند: "اگر هدف نظامی بالقوه ای پدیدار شود، هدفگیری موشکها عملاً بطور خودکار انجام خواهد شد. بدین ترتیب درباره آینده سیستم دفاع ضد موشکی نیازی به حدس و پیشبینی نیست. مهم این است که خود را درگیر رقابت تسلیحاتی نکرد!"

خبرگزاری «نووستی» در ۱۷ مرداد از مسکو گزارش کرد که سرهنگ "الکساندر درویشفسکی" معاون فرمانده کل نیروهای هوایی روسیه اطلاع داد که هواپیماهای ناوگان دور پرواز نیروی هوایی فدراسیون روسیه هشت موشک بالدار را طی مانوری هوایی- تاکتیکی پرتاب نمودند. درویشفسکی گفت: "طی پرواز بر فراز آبهای اقیانوس آرام و اطلس هواپیماهای توپولوف-۱۶۰ و توپولوف-۹۵ ام.اس. را جنگنده های ناتو همراهی نمودند". به گفته وی، طی برگزاری این آزمایش حدود ۴۰ پرواز توسط هواپیماهای توپولوف-۱۶۰، توپولوف-۹۵ ام.اس.، توپولوف-۲۲ ام.۳، و ایلوشین-۷۸ انجام شد. خلبانها همکاری و تعامل با جنگنده ها، سوخت گیری در شب و روز را تمرین نموده و از دفاع ضد موشکی دشمن عبور کردند. هدایت این مانور را سردار "پاول آندروسوف" فرمانده ناوگان دور پرواز روسیه بر عهده داشت. در این آزمایش هم گروههای مجرب و هم گروه های جوان شرکت داشتند که برای اولین بار موشک پرتاب نموده و در آبهای بی طرف پرواز می کردند^۱. متعجب کردن جهانیان با سلاحی جدید که مشابهی ندارد، رسم همیشگی روسیه است. این بار در ششمین سالگرد حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر به آمریکا نظامیان روسی قویترین بمب خلا جهان را آزمایش کردند. وجه تمایز بمب جدید در آنست که بر خلاف موشک بالدار مافوق صوتی که چندی پیش آزمایش شده

۱. روزنامه "گازیتا"، خبرگزاری «نووستی» روسیه، ۱۴ خرداد به نقل از سایت ریا نووستی

۱. سایت خبری ریا نووستی، ۱۷/۰۵/۱۳۸۶.

بود، بمب خلا را می‌توان از همین فردا مورد استفاده قرار داد. تاکنون قوی‌ترین بمب خلا متعلق به آمریکاییها بود که چهارسال پیش آن را در ایالات متحده "مادر همه بمبها" نامیدند. روسها علیرغم دشمن جانی خود بمب مذکور را "پدر همه بمبها" نام گذاری کردند. البته "پدر" از نظر درجه حرارت دو برابر، از نظر قدرت چهار برابر و از نظر مساحت تحت پوشش بیست برابر بیشتر از "مادر" است.

به اعتقاد نظامیان، سلاح جدید روسی جایگزین سلاح هسته ای توان کم (کوله پشتی) خواهد شد. مبارزه با تروریسم بین المللی به سطح کیفی جدیدی وارد شده است. در وزارت دفاع روسیه ادعا می‌کنند که بمب جدید هیچیک از قراردادهای بین المللی را نقض نمی‌کند. نمایش "پدر همه بمبها" که برای نیروی هوایی در نظر گرفته شده با از سرگیری پروازهای کشیک یگان دور پرواز نیروی هوایی روسیه توأم شد که از سال ۱۹۹۲ متوقف شده بودند. این طعنه به اندازه کافی صریح است.

ژنرال "آنتولی کورنوکوف" فرمانده اسبق نیروی هوایی روسیه می‌گوید: "بمب هوایی خلا از نظر قدرت با بمب هسته ای قابل مقایسه است. فکر می‌کنم که این پیشرفت بعدی طرح است که در روسیه در جریان ایجاد مهمات انفجارات حجیم صورت گرفت. این هم تقریباً همان است. پیش از این من درباره چنین طرحی مطالبی شنیده بودم. موشک هدایت شونده ای که تقریباً چنین عملکردی داشت، برای انهدام کشتی‌ها در نظر گرفته شده بود. انتقال بمب خلا به مناطق دور دست امروز فقط توسط هواپیما میسر است. امروزه ما راکتی که قابلیت حمل آن را داشته باشد در اختیار نداریم. با کم کردن وزن مواد منفجره می‌توان آن را در یک موشک بالدار جای داد. آنوقت است که این سلاح به یک هیولا تبدیل می‌شود". چرا این سلاح جدید که در محافل صنعتی-نظامی پانزده سال است شناخته شده حال پدیدار شد؟ برخی آن را با آغاز دور انتخابات جدید در روسیه مربوط می‌دانند. بعضی نیز می‌گویند که مجموعه صنایع دفاعی روسیه چیز دیگری در بحث پیرامون استقرار تجهیزات ضد موشکی آمریکا در اروپا برای نشان دادن از خود ندارد. یوری بالیفسکی، رئیس ستاد ارتش روسیه در واکنش به

نتیجه دیدار رؤسای جمهور لهستان و آمریکا در واشنگتن که طی آن مکان دقیق استقرار سیستم دفاع موشکی آمریکا در لهستان هم مشخص شد، به ورشو درباره عواقب این کار هشدار داد. این ژنرال روسی گفت: تصمیم به استقرار سیستم دفاع موشکی در خاک لهستان را دولت لهستان گرفته‌است و حتماً کاملاً می‌داند چه عواقبی در پس این تصمیم وجود دارد. او در سخنانی که نوعی هشدار و تهدید جدی برای لهستان تلقی می‌شود گفت: لهستانیها باید از زمانی نگران باشند که این سیستم کار خود را شروع کند. آن وقت موشکهای سرگردان رهگیری شده در سراسر کشور پخش خواهد شد.

بالفیسکی گفت: حتی طراحان سپر دفاع موشکی ارزیابی گذشته خود را مبنی بر اینکه کره شمالی تهدید موشکی برای آمریکا و اروپا به شمار می‌آید، رد می‌کنند و ادعای تهدید موشکی از سوی ایران هم بزودی تکذیب می‌شود. در دکترین آمریکا این سپر موشکی بخشی از استراتژی گسترده‌تری است که سلاحهای تهاجمی هم بخش دیگر آن است. این ژنرال بلندپایه روسی در انتهای سخنانش با تشریح نقشه سیستم دفاع موشکی و طراحی و ساختار آن گفت: تک تک بخشها و اجزای این سیستم برای مقابله با روسیه طراحی شده و کشور روسیه را هدف گرفته است. مسکو می‌داند که در آینده نزدیک دیگر توانایی‌های نظامی ضد روسی آمریکا و اروپا نیز تقویت خواهد شد. آمریکا قصد دارد تا سال ۲۰۱۳ بیش از ۱۰ فروند موشک رهگیر در لهستان مستقر کند. اولین مجموعه از این موشکها اوائل سال ۲۰۱۱ آماده شلیک می‌شوند. اگر چه لهستان به وجود آمدن توافق رسمی برای میزبانی بخشی از سپر دفاع موشکی آمریکا را به تاخیر انداخته و خواستار توافق در موضوعاتی از جمله قراردادهای نظامی شده است، لخ کاجینسکی رئیس جمهور لهستان نسبت به استقرار این سپر در لهستان ابراز اطمینان کرد. کاجینسکی در یک کنفرانس خبری به دنبال نشست خود با جورج بوش تصریح کرد: موضوع سپر دفاع موشکی واشنگتن یک نتیجه از پیش تعیین شده است. وی افزود: این سپر در لهستان استقرار خواهد یافت، چون به نفع ورشو است.^۱

خبرگزاری «نووستی» از مسکو گزارش داد سرلشکر "الکساندر زلین" فرمانده نیروی هوایی روسیه اعلام کرد که سیستم جدید دفاع ضد هوایی نسل پنجم به مراتب بر سیستم پدافند ضد موشکی C ۴۰۰ ارجحیت داشته و توان دفع تهدید از فضا را دارد. وی در پاسخ سئوالی در مورد اینکه چه تجهیزاتی از نسل جدید در آینده در اختیار نیروی هوایی قرار خواهد گرفت گفت: "در حین ایجاد سیستم پدافند موشکی -C ۴۰۰ ما به درک سیستم جدیدی رسیدیم که می توانیم آن را نسل پنجم بنامیم. سیستم جدید کوچکتر، قابلیت مانور بهتر و بدون تردید از مشخصات فنی برتر برای دفع تهاجمات هوایی برخوردار خواهد بود." به گفته زلین در تجهیزات جدید تغییرات اصولی وجود ندارد و بهبود مشخصات فنی به خاطر تکامل سیستم پایه آن صورت خواهد گرفت.

فرمانده نیروی هوایی گفت: "در سیستم جدید (نسل پنجم) قابلیت رویت دورتر، بالاتر و واکنش سریعتری در نظر گرفته شده و طبیعتاً طیف گسترده تری از مسائل بعنوان مثال دفع حملات فضایی را حل خواهد کرد." وی افزود که تولید کنندگان روسی وزن سیستم جدید را کاهش داده و آن را راحت تر در انتقال و حرکت در آورده و همچنین قابلیت دفع حملات به سیستم را نیز افزایش خواهند داد.

در آخرین مرحله از تهدیدات روسیه علیه سیستم دفاعی موشکی اعلام خبری بود که ژنرال یوری پالویفسکی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح روسیه در ۲۴ آذر ۱۳۸۶ اعلام داشت مبنی بر اینکه پرتاب موشکهای ضد موشکی آمریکا می تواند تحریک کننده پاسخ موشکی توسط موشکهای قاره پیمای استراتژیک شود. به گفته وی شکل موشکهای ضد موشک، مسیر پرواز و جهت آنها به موشکهای قاره پیمای شباهت دارد. به همین خاطر اشتباه در کلاسه بندی موشکهای ضد موشک پرتاب شده از لهستان می تواند محرک پاسخ موشکی باشد. پالویفسکی افزود به عبارت دیگر اگر احتمال دهیم که ایران بخواهد به آمریکا حمله موشکی کند، موشکهای ضد موشکی که از لهستان پرتاب خواهند شد، به سوی روسیه پرواز می کنند.

د. تهدید روسیه به خروج از پیمانهای متقابل استراتژیک

پیمان نیروهای متعارف در اروپا، محدود کننده انواع، میزان و جایگاه استقرار نیروهای مسلح ناتو و شوروی در اروپا بود. روسیه این قرارداد را ابزار فشار به امریکا کرده است. پوتین حکم توقف اجرای پیمان نیروهای متعارف در اروپا "سی اف ئی" را تا زمانی که کشورهای ناتو اجرای آن با حسن نیت را آغاز نکنند، امضا کرده است. در حکم هیچ صحبتی درباره استقرار دفاع ضد موشکی آمریکا در مرزهای روسیه نشده، اما مسلم است که صحبت دقیقاً درباره همین است. کارشناسان هم اکنون "سی اف ای" را به تاریخ سپرده می‌دانند و درباره رقابت جدید تسلیحاتی صحبت می‌کنند. مسکو می‌گوید دلایل بسیاری برای امتناع روسیه از اجرای این پیمان وجود دارند. "سی اف ای" که در سال ۱۹۹۰ امضا شده بود، محدود کننده انواع، میزان و جایگاه استقرار نیروهای مسلح ناتو و شوروی در اروپا بود.

سال ۱۹۹۹ در استانبول کشورهای عضو ناتو و روسیه ویرایش جدید این پیمان را پذیرفتند، اما کشورهای عضو ناتو از تصویب آن امتناع نموده و خروج نیروهای روسیه از گرجستان و پریدنسروویه را مطالبه کردند. علاوه بر این، از سال ۱۹۹۹ کشورهای عضو پیمان سابق ورشو و سه کشور حاشیه دریای بالتیک (استونی، لتونی و لیتوانی) وارد پیمان ناتو شدند که این تعادل نیروها در قاره اروپا را بر هم زد.

اکنون در رومانی و بلغارستان پایگاههای نظامی جدید آمریکا گشایش می‌یابند. اما مهمتر از همه این است که واشنگتن آماده استقرار سپر ضد موشکی خود در چک و لهستان می‌شود. پوتین متوقف کردن اجرای پیمان "سی اف ای" را در ماه آوریل ۲۰۰۷، زمانی که مشخص شد آمریکا از اجرای نقشه‌های خود صرف‌نظر نمی‌کند، پیشنهاد داده بود. اما آمریکاییها پافشاری دارند که استقرار سیستم دفاع ضد موشکی در اروپا تنها برای دفاع در برابر موشکهایی است که اروپا را تهدید می‌کند.

در این امر، امتناع آمریکا از پیشنهاد روسیه مبنی بر استفاده مشترک از ایستگاه راداری قبله در آذربایجان و متحد سازی رادارهای روسیه و ناتو در یک سیستم واحد اطلاعاتی به روسیه کمک کرد. اما روز ۱۴ جولای ۲۰۰۷، زمانی که دموکراتها و جمهوری خواهان در سنای آمریکا از برنامه دفاع ضد موشکی حمایت کردند، دست روسیه

باز شد. در همان روز دفتر مطبوعاتی کرمین حکم توقف اجرای پیمان نیروهای متعارف در اروپا را منتشر کرد.

به عقیده کارشناسان، توقف در اجرای پیمان یاد شده، روابط روسیه با غرب را متشنج تر می سازد. به گفته "ویچسلاو نیکونوف" رئیس بنیاد "پولیتیکا"، در صورت استقرار سیستم دفاع ضد موشکی آمریکا در چک و لهستان، کاملاً محتمل است که موشکهای روسی اروپا را نشانه بگیرند. اما توقف اجرای "سی اف ای" منجر به افزایش و تقویت نیروهای زمینی در شمال غرب و جنوب روسیه نمی شود.

"ایوان سافرانچوک" مدیر نمایندگی مرکز اطلاعات دفاعی آمریکا در مسکو اظهار داشته "در کل سقف نیروهای متعارف در اروپا طبق پیمان سی اف ای بیشتر از میزان تسلیحات موجود در کشورهای عضو آن است. این پیمان ارتباطی به خارج ساختن پایگاههای روسیه از گرجستان و پریدنستروویه ندارد. نتیجه تنها این خواهد بود که روسیه درباره برگزاری مانورها و جابجایی نیروهای خود به شرکای غربی اطلاعی نخواهد داد". کارشناسان اتفاق نظر دارند که "سی اف ای" دیگر به ابدیت پیوسته است.

یک دلیل دیگر، افزایش بودجه نظامی روسیه، آمریکا و کشورهای اروپای شرقی است. سافرانچوک می گوید: من ترجیح می دهم درباره رقابت سیاسی تسلیحاتی صحبتی نکنم، اما رقابت فنی مدت بسیاری است که راه افتاده است. از سال ۱۹۹۹ بودجه نظامی روسیه بیش از سه برابر شده و ارتش بطور گسترده تجدید قوا می شود. علیرغم تمامی این ها، روسیه برای شرکای خود زمانی برای چانه زنی باقی می گذارد. اعتبار پیمان "سی اف ای" و توافقنامه های مرتبط بدان، پس از گذشت ۱۵۰ روز از زمانی که نگهدارندگان قراردادهای بین المللی رسماً اطلاع بیابند، متوقف خواهد شد.

روز ۲۳ تیر ۱۳۸۶، خبرگزاری «نوووستی» از مسکو گزارش داد که "پوتین" حکم توقف اجرای پیمان نیروهای متعارف در اروپا "سی اف ای" و قراردادهای بین المللی مرتبط با آن را امضا نمود. این تصمیم مرتبط با اوضاع بوجود آمده در رابطه با مندرجات پیمان نیروهای متعارف در اروپا، منعقد شده در تاریخ ۱۹ نوامبر ۱۹۹۰ است که امنیت روسیه را تحت الشعاع قرار می دهند و از این رو اتخاذ تدابیری فوری لازم است. این حکم

1- <http://www.irdiplomacy.ir>

2 - Conventional Forces in Europe (CFE) treaty

بلافاصله پس از امضا به اجرا در می آید. در توضیحات ضمیمه این حکم گفته شده است که روسیه اجرای پیمان "سی اف ای" را تا زمانی متوقف می کند که "کشورهای ناتو سی اف ای را تصویب نموده و اجرای این سند را با حسن نیت آغاز کنند".

علاوه بر این، استقرار نیروهای متعارف آمریکا در بلغارستان و رومانی که اجرای آن برنامه ریزی شده است، "تأثیری منفی" بر رعایت محدودیتهای گروهی "سی اف ای" دارد. همچنین در سند به عدم اجرای تعهدات سیاسی درباره تسریع تصویب پیمان "سی اف ای" از سوی تعدادی از کشورهای عضو در آن نیز اشاره شده است.^۱

به عقیده رئیس آکادمی مسائل ژئوپولیتیک روسیه پیشنهاد وزیر امور خارجه آمریکا درخصوص دعوت به برگزاری کنفرانسی ویژه در زمینه پیمان محدودیت نیروهای مسلح متعارف در اروپا، تنها در راستای ممانعت از تعلیق یا خروج روسیه از این پیمان صورت گرفته است. به گزارش سایت خبری «راس بالٹ»، ژنرال لئونید ایواشف، رئیس آکادمی مسائل ژئوپولیتیک روسیه متذکر شد، پیشنهاد رایس درخصوص دعوت به برگزاری کنفرانسی ویژه برای بررسی مسائل پیرامون پیمان محدودیت نیروهای مسلح متعارف در اروپا، به احتمال زیاد گویای عدم تمایل واشنگتن به بی اعتنایی آشکار نسبت به نقطه نظرات روسیه است. ایواشف تأکید کرد: «به عقیده من، امریکاییها در شرایط کنونی و به ویژه در آستانه مبارزات انتخاباتی در این کشور، نمی خواهند به طور کامل با روسیه قهر کنند اما این طور که به نظر می رسد تصویب این پیمان از سوی آمریکا در آینده ای نزدیک نیز قابل پیش بینی نیست». به گفته وی جالب توجه است که به جای روسیه و اتحادیه اروپا، این امریکاییان هستند که پیشنهاد مذاکراتی در این زمینه را می دهند، تا بدین طریق به دفعات امتیازاتی را برای خود به دست آورند. به اعتقاد ایواشف البته با این وجود گام قابل توجهی از سوی آمریکا برای تصویب و اجرای این پیمان بر نخواهد داشت و اظهارات رایس در خصوص برگزاری کنفرانسی بین المللی در این زمینه تنها در راستای ممانعت از تعلیق یا خروج روسیه از پیمان محدودیت نیروهای مسلح متعارف در اروپاست.^۲ در ۲۵ تیر ۱۳۸۶، خبرگزاری «نووستی» در مسکو اعلام داشت که "میخائیل

۳. خبرگزاری ریا نووستی ۱۳۸۶/۰۴/۲۳

۱. روزنامه شرق ۱۳۸۵/۳/۲

مارگلوب" رئیس کمیته امور بین الملل شورای فدراسیون روسیه معتقد است که توقف اجرای پیمان نیروهای متعارف در اروپا به روسیه اجازه می دهد که بر منافع استراتژیک خود ایستادگی کند. این سناتور روز دوشنبه در گفتگویی با «نوووستی» اظهار داشت: "برای روسیه توقف اجرای پیمان سی اف ای، تنها راه ممکن برای ایستادگی بر منافع استراتژیک خود است".

وی اعلام داشت: "در نزدیکی مرزهای ما، کشورهای که این قرارداد را امضا کرده، اما آن را تصویب نکرده اند، تشکلهای نظامی را افزایش داده و پایگاه های موشکی جدیدی می سازند که ما عملاً با اجرای این پیمان به تنهایی نمی توانیم پاسخی بدهیم".

مارگلوب یادآور شد که کشورهایی که این پیمان را تصویب نکرده اند، ۱۵۰ روز برای جستجوی راه حلی سازش کارانه فرصت دارند، اما اگر آنها پیمان را تصویب نکنند، روسیه مطابق وقایع جدید نظامی - استراتژیک تمامی کنترلها از نیروهای متعارف خود در اروپا را متوقف می کند. وی افزود: "در این صورت روسیه در خاک اروپا مطابق منافع خود در زمینه امنیت داخلی و خارجی عمل خواهد کرد".

از آنجا که در استراتژی سیاست خارجی ایران همزیستی مسالمت آمیز و عدم مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر و کمک به صلح و ثبات در منطقه و جهان تاکید شده طبیعی است که هر نوع فعالیت تحریک آمیز که امنیت ملی ایران را به مخاطره بیندازد، سبب بروز واکنش از سوی ایران خواهد شد. اکنون باید دید که استقرار سیستم دفاع موشکی ایالات متحده که با کمک ناتو در قلمرو اروپا مستقر خواهد شد آیا تهدیدی برای امنیت ملی ایران است؟ اصولاً در مواضع رسمی ایالات متحده گفته می شود که استقرار این سیستم برای محافظت و پیشگیری اروپا از تهدید موشکی ایران است ولی روسیه با رد این ادعا اعلام کرده که توان موشکی ایرانی آنچنان نیست که اروپا را در معرض تهدید قرار دهد. ایران فاقد موشکهای قاره پیماست و عدم دسترسی و ساخت موشکهای هدایت شونده قاره پیما به جهت پیروی از سیاستهای اعلامی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر عدم تعرض به سوی اروپاست که در آنجا دشمنی را برای خود متصور نیست. حتی ایران اعلام کرده که قصد آن ندارد که تهاجم پیشدستانه ای علیه اسرائیل داشته باشد. در

سیاست ملی خود دفاع در برابر تجاوز و تهدید را در نظر دارد و هیچگاه اقدام به حمله پیشدستانه نخواهد کرد. ایران بارها اعلام کرده است که موشکهای ساخت ایران موشکهای تهاجمی نیست و برای دفاع از قلمرو جمهوری اسلامی ایران تدارک دیده شده‌اند و ایران قصد تجاوز به هیچ کشوری را ندارد، اما در صورتی که مورد تعرض قرار گرفته و تهدیدی را علیه امنیت خود احساس کند ناگزیر اقدام به دفاع مشروع خواهد کرد و این حق را برای خود محفوظ می‌دارد که در صورت حمله، برای دفاع از حاکمیت و تمامیت ارضی خود با تمام توان و به شدت از خود دفاع کرده و پاسخ مناسب را به متجاوزان بدهد.

با اعلام رسمی ایالات متحده آمریکا مبنی بر استقرار سیستم دفاع موشکی در اروپا به منظور تامین امنیت اروپا در برابر حمله موشکی ایران و کره شمالی، امنیت ملی ایران مورد تهدید واقع می‌شود. اما کشورهای اروپایی به درستی می‌دانند که ایران برای آنان تهدیدی نیست، زیرا ایران با اغلب کشورهای اروپایی در چارچوب مناسبات گسترده با اتحادیه اروپا در تعامل است و روابط اقتصادی، علمی و فنی با این اتحادیه دارد. در این میان روسیه با اعلام این موضوع که استقرار سپر دفاع موشکی در لهستان و ایستگاه رادار در جمهوری چک، بر خلاف ادعای آمریکا نه برای جلوگیری از حمله موشکی ایران بلکه تهدیدی علیه امنیت ملی روسیه است و روسیه روشهای مرحله‌ای و متعددی را تدارک دیده است که از همکاری با ایالات متحده تا استفاده مشترک از سیستم دفاعی روسیه و مقابله و تهدید را شامل می‌شود. تهدیدات آمریکا علیه ایران موضوع جدیدی نیست و این تهدیدات نه تنها سبب تضعیف توان نظامی ایران نشده بلکه بر قدرت نظامی ایران افزوده است و جمهوری اسلامی ایران با تجهیز نیروهای نظامی خود و دسترسی به فناوریهای جدید نظامی از جمله موشکهای بالستیک و ساخت آنها توانسته است در منطقه به قدرت اقتصادی - نظامی قابل توجهی تبدیل شود. لذا استقرار سپر دفاع موشکی در اروپا یا همکاری روسیه با آمریکا با در اختیار گذاشتن امکانات پایگاه رادار قبله، تغییری در موضع ایران نخواهد داد. اما در صورت همکاری روسیه با آمریکا و استفاده از اطلاعات این ایستگاه از سوی آمریکا برای بکارگیری آنها علیه امنیت ملی ایران سبب ایجاد نوعی عدم موازنه در منطقه خواهد شد زیرا در آن صورت در گام نخست جمهوری آذربایجان بر خلاف معاهدات خود با روسیه و ایران به کشوری ثالث اجازه داده

است از خاک خود برای تهدید و ایجاد ناامنی برای ایران از آن استفاده کند. دیگر اینکه روسیه این پایگاه را برای استفاده خود از آذربایجان اجاره کرده است و بدون رضایت دولت آذربایجان نمی تواند آن را به کشور ثالثی اجاره دهد یا از آن بطور مشترک استفاده کند. اما آذربایجان با موافقت با استفاده مشترک روسیه و آمریکا به اهداف چندی دست خواهد یافت اول اینکه هم با کارت روسیه و هم با کارت آمریکا در مناسبات با ایران بازی خواهد کرد. از طرفی دیگر بزعم خود می تواند تا حدودی در برابر خطرات ایران خود را بیمه کند. مهمتر اینکه مناسبات خود را با آمریکا گسترده تر کرده و بزعم خود خواهد توانست مساله قره باغ را با تشریک مساعی و همکاریهای امنیتی در چارچوب گروه مینسک و مبارزه با تروریسم بین الملل حل کند. ولی اتخاذ این تصمیمات برای آذربایجان هم در بین نیروهای ملی و هم مخالفان حکومت به افزایش عدم مشروعیت هیات حاکمه آذربایجان منجر خواهد شد که هم اکنون نیز خود با این چالش بطور جدی روبروست. به همین سبب ایالات متحده حاضر به همکاری با روسیه نیست زیرا در پس پرده دفاع موشکی تهدید از سوی روسیه مطرح است و ایران برای اروپا تهدید نیست و ایالات متحده همان طور که روسها اعلام داشته اند برای رفع تهدید حملات احتمالی موشکی ایران می توانند از پایگاههای خود در دریای مدیترانه و خلیج فارس و اقیانوس هند بهره گیرند. با استقرار سامانه جدید دفاع موشکی و استقرار پایگاههای راداری در اروپا آمریکا روسیه را بسوی یک مسابقه تسلیحاتی رهنمون خواهد شد و بزعم خود تهدیدی بالقوه برای ایران پدید خواهد آورد. با این وجود کشورهای عضو ناتو برای گسترش به شرق هنوز هم به اجماع کلی نرسیده اند و برای دربرگیری دوباره روسیه به وحدت کامل دست نیافته اند. با پذیرش گرجستان در ناتو که احتمالاً در چند سال آینده اتفاق خواهد افتاد ناتو قلمرو خود را به قفقاز گسترش خواهد داد که در آن صورت قلمرو ناتو در این منطقه علاوه بر ترکیه با گرجستان نیز پیوستگی جغرافیایی خواهد داشت. ولی با این وجود نمی توان گسترش قلمرو جغرافیایی ناتو به سوی ایران را تهدیدی برای امنیت ملی ایران قلمداد کرد، زیرا ایران از دهه ۵۰ قرن ۲۰ با ناتو (ترکیه) هم مرز بوده است. مهمتر اینکه دو کشور ایران و ترکیه که از نظر استراتژیک با هم هم سو نیستند ولی این مورد نتوانسته مانع گسترش روابط دو کشور گردد؛ بطوری که ایران بیشترین مناسبات اقتصادی- بازرگانی و امنیتی را در بین همسایگان خود با ترکیه دارد. از طرفی

این تحولات نمی تواند نادیده گرفته شود. اما لازم است که مواضع رسمی ایران در این زمینه بررسی شود. بنا به گزارش خبرگزاری «نووستی» آقای مهدی صفری معاون وزیر امور خارجه ایران معتقد است که استقرار تجهیزات سپر ضد موشکی آمریکا در اروپای شرقی علیه روسیه است.

خبرگزاری "مهر" گزارش داد: "علت مخالفت روسیه با طرح سپر دفاع ضد موشکی را باید در ماهیت و نیت واقعی آمریکاییها جستجو کرد. مقامات آمریکایی با طرح بهانه های غیر واقعی و تهدیدهای ساختگی که به هیچ وجه واقعیت ندارد، تلاش می کنند طرحی را در جوار مرزهای روسیه پیاده کنند که جنبه ضد روسی آن کاملا نمایان است". اجرای برنامه های دولت آمریکا می تواند به نقض توازن نظامی میان غرب و روسیه منجر گردد. معاون وزیر امور خارجه ایران گفت: "در ماههای اخیر روسها تلاش کرده اند به روشهای گوناگون بر این تصمیم واشنگتن تاثیر بگذارند اما واقعیت آنست که غربیها نمی خواهند یک روسیه مقتدر و مستقل را در کنار خود داشته باشند و بدنبال روسیه ای هستند که به عنوان پیرو و مطیع خواسته های آنان باشد" در جمهوری اسلامی ایران معتقدند که ایران و روسیه مواضع مشترک بسیاری در مورد مسائل بین المللی و منطقه ای دارند.

معاون وزیر امور خارجه ایران در ۲ مرداد ۱۳۸۶ اعلام کرد: "روسیه و ایران در سه سطح دوجانبه، منطقه ای و بین المللی با یکدیگر همکاری دارند. در خصوص مسائل منطقه ای نظیر موضوع افغانستان، آسیای مرکزی و قفقاز، دریای خزر و خاورمیانه نیز به طور کلی اشتراک نظر بالایی بین دو کشور وجود دارد". به گفته وی هر دو کشور با روند رو به گسترش یکجانبه گرایی قدرتهای فرامنطقه ای در این حوزه ها مخالف بوده و تداوم این وضعیت را باعث پیچیده شدن اوضاع می دانند. ایران و روسیه مخالف اعمال استانداردهای دوگانه قدرتها در موضوعاتی همچون تروریسم و حقوق بشر هستند.

در عین حال آقای صفری تاکید کرد که طبیعی است هر کشوری در عرصه سیاست خارجی پیگیر منافع ملی خود است و این امر از اولویت برخوردار می باشد. بعنوان مثال، روسیه تلاش می کند در منطقه مشترک المنافع از فرصتهای موجود بهره برداری کرده و

اهرم‌های تاثیرگذاری نظیر انرژی را در اختیار بگیرد که البته با واکنشهای زیادی بویژه از سوی کشورهای غربی روبرو شده است.^۱

"منوچهر متکی" وزیر امور خارجه ایران در جلسه غیر علنی مجلس ایران اعلام کرد که مقامات جمهوری اسلامی اهمیت ویژه ای برای روابط با روسیه قائل هستند.

سخنگوی کمیسیون سیاست خارجی و امنیت مجلس ضمن تفسیر سخنانی وزیر امور خارجه به خبرنگاران گفت: "وزیر امور خارجه در جریان سخنرانی خود به مسائل روابط روسیه و ایران نیز پرداخت و اشاره کرد که در سیاست خارجی ایران برای روسیه اهمیت خاصی قائل شده است. ما امیدواریم که درک عمیق مسائل بین‌المللی به تشکیل مرحله جدیدی از همکاریهای منطقه ای و بین‌المللی (با روسیه) منجر گردد".^۲ با وجودی که روسیه به غرب اطمینان داده است که ایران در آینده ای نزدیک موشک قاره پیما نخواهد داشت با این وجود غرب ایران را تهدیدی برای صلح جهانی معرفی و در توجیه استقرار سیستم سپر دفاعی آن را در پیش روی اروپایی ها قرار می‌دهد.

"یوری بالویفسکی" رئیس ستاد کل نیروهای مسلح روسیه معتقد است که در آینده‌ای نزدیک موشک های بالستیک قاره پیما در ایران پدیدار نخواهند شد که آمریکا بخواهد برای دفاع در مقابل آنها سپر ضد موشکی در اروپا مستقر کند. وی به خبرنگاران گفت: "ما بر اساس اطلاعاتی واقعی از اوضاع امور در ایران بدین مطلب کاملاً اطمینان داریم". بالویفسکی در عین حال یادآور نمود که وزرای امور خارجه و دفاع روسیه و آمریکا در راینه‌های خود که چندی پیش در مسکو انجام شده بود، توافق نمودند که لازم است کارشناسان به ارزیابی از تهدیدات واقعی از سمت جنوب، ادامه دهند.^۳

روسیه و ایران و روابط بین این دو کشور و موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک ایران مورد توجه غرب است و ایالات متحده به خوبی بر این امر واقف است که هر گونه همکاریهای منطقه ای که ایران در آن نقش داشته باشد، سبب تضعیف موقعیت جهانی و منطقه ای آمریکا خواهد شد. سازمان همکاری شانگهای یکی از این موارد حساس است. همکاریهای ایران و روسیه سبب تقویت موقعیت هر دو کشور و ایجاد همگرایی منطقه ای

۲. خبرگزاری ریانووستی ۱۳۸۶/۰۵/۰۲

۱. خبرگزاری ریانووستی ۱۳۸۶/۰۵/۰۱

۲. سایت ریانووستی، ۱۳۸۶/۰۷/۲۵

می شود. بنابراین ایالات متحده با کشاندن روسیه به مسابقه تسلیحاتی قصد دارد روسیه را تضعیف و نیروهای غربگرای این کشور را تقویت کند که در نهایت آنها را از ایران دور و ایران را در منطقه منزوی کند. موضعگیری ضد غربی رئیس جمهور روسیه نشان دهنده عمق تنفر روسها از آمریکا و غرب است که پس از سالهای سپری شده بعد از فروپاشی نه تنها گامهای مثبتی در بازسازی و توسعه روسیه بر نداشت بلکه با نگرانی از قدرت گیری روسیه دوره پوتین سعی در تضعیف این کشور دارد. در این برهه از زمان استقرار سپر دفاع موشکی در اروپا هم برای مهار روسیه و هم برای محاصره سازی این کشور است که در نهایت ایران نیز در کنار روسیه مورد نگرانی و توجه آمریکا قرار می گیرد. با وجود تهدید مشترک از سوی آمریکا برای روسیه و ایران و در نهایت قلمرو شانگهای، اندیشیدن تدابیر لازم برای آینده ای که ایالات متحده قصد پیاده کردن آن را دارد، ضروری و حیاتی به نظر می رسد. در صورت ایجاد همبستگی و همگرایی کشورهای عضو و ناظر سازمان شانگهای و تقویت همکاریهای اقتصادی و امنیتی، می توان انتظار داشت که از یکجانبه گرایی ایالات متحده در جهان جلوگیری شده و جهان بسوی همکاریهای منطقه سوق پیدا خواهد کرد.

نتیجه گیری

در آغاز سال ۲۰۰۵ وزارت دفاع آمریکا در گزارش استراتژی نظامی آمریکا اعلام کرد روسیه همچنان در مرحله انتقالی خویش قرار دارد و بعید است که تهدید نظامی را که شوروی برای آمریکا داشت، داشته باشد. مقامات نظامی آمریکا قصد دارند با روسیه برای دفاع مشترک، از جمله سلاحهای هسته ای، تروریسم و مبارزه با مواد مخدر، همکاری داشته باشند. پنتاگون معتقد است تنها کشوری که دارای توان بالقوه عظیمی برای رقابت با آمریکا در عرصه نظامی است، جمهوری خلق چین است.^۱

اما با گذر زمان و حضور مقتدر روسیه در عرصه بین الملل و عدم تمکین از خواسته های آمریکا در نظم جهانی و عدم همسویی با یکجانبه گرایی آمریکا، رقابت با روسیه آغاز شد. به همین سبب در نگرش آمریکا به روسیه تغییر عمده ای بوجود آمد.

آمریکا در سالهای اخیر برای خروج از دشواریهایی که در عراق و افغانستان با آن روبرو شده است، ناگزیر به بهانه جویی است. مساله ایران و اتهام دخالت به ایران در تامین سلاحهای مورد استفاده گروههای تروریستی در عراق و مبارزان حزب اله در لبنان و حماس در فلسطین و حمایت روسیه از جایگاه ایران در پرونده هسته ای و در منطقه و نیز حضور روسیه در عرصه خاورمیانه بر نارضایتی آمریکا افزوده و از طرفی فشار کمپانیهای بزرگ تسلیحاتی آمریکا برای رقابت در تجارت و صادرات اسلحه با روسیه، فضای متصلبی را در نظام بین الملل بوجود آورده است. در این فضا نقش رقیب اصلی دوباره به روسیه داده شده است. برای همین منظور برای بدر کردن روسیه از صحنه رقابت همان ابزار اصلی جنگ سرد، یعنی رقابت تسلیحاتی بهترین گزینه انتخابی برای مقابله با روسیه ای است که آرام آرام در حال تثبیت اوضاع بود. اما پایان دوره ریاست جمهوری پوتین و نبود رهبری کاریزما که بتواند پس از او با آمریکا تعامل داشته باشد، آمریکا را به استفاده از فرصتی طلایی سوق داده است.

مسابقه تسلیحاتی یکی از مهمترین مؤلفه‌های جنگ سرد بوده است لذا با معرفی طرحهایی نظیر جنگ ستارگان توسط ایالات متحده، طرف مقابل یعنی شوروی نیز وادار می‌شد برای ارتقای جایگاه خود و یا حداقل حفظ وضع موجود، منابع مالی زیادی را صرف اداره ارتش بزرگ خود و همچنین معرفی طرح‌های دفاعی جدید و پیشرفته‌تر نماید و این به معنی میلیاردها دلار سرمایه‌گذاری در امور نظامی بود، سرمایه‌هایی که در آن برهه خاص برای اقتصاد متزلزل شوروی نقش حیاتی ایفا می‌کردند و صرف نمودن آنها در امور نظامی نتیجه‌ای جز دامن زدن به وخامت وضعیت اقتصادی شوروی نداشت. قابل توجه است که در سالهای پایانی جنگ سرد و با وجود اصلاحات گورباچف، شوروی ارتشی داشت که ۲۵٪ از تولید ناخالص ملی را مصرف می‌کرد. لذا هزینه‌ای که بایستی صرف سرمایه‌گذاری در بخش غیرنظامی و رفاهی می‌گردید به مصرف ارتشی می‌رسید که بزرگترین ارتش دنیا بلحاظ تعداد نفرات و تسلیحات در اختیار محسوب می‌شد ولی فاقد کارایی بود. ایالات متحده و لهستان اعلام کردند که از تهدیدات موشکی روسیه هراسی ندارند و به اجرای سپر دفاع موشکی مصمم هستند و آن را تا ژانویه پیاده خواهند کرد.^۱

1. http://english.pravda.ru/world/95210-poland_us

آیا در این شرایط که روسیه با وجود استفاده از تمام مکانیزمها برای انصراف آمریکا از استقرار سپردفاع موشکی در خاک لهستان و جمهوری چک نتوانسته جلوگیری کند و ناگزیر به اتخاذ موضع مقابله و تهدید است، از نظر اقتصادی توانایی آن را دارد؟ با نگاهی به اوضاع اقتصادی می توان این موضوع را ارزیابی کرد.

تولید ناخالص داخلی (GDP) ایالات متحده در سال ۲۰۰۶، برابر ۱۳۱۲۰ میلیارد دلار بوده و اولین قدرت اقتصادی جهان به شمار می رود. پس از آمریکا اتحادیه اروپا (مجموع ۲۵ کشور) تولید ناخالص داخلی برابر ۱۳۰۶۰ میلیارد دلار داشته اند که در مقایسه با ایالات متحده قدرت برابری دارند، اما به تنهایی خود یک قدرت تصمیم گیر نیستند، زیرا مجموعه ۲۵ کشور هستند. چین در این میانه در ردیف سوم قرار می گیرد که تولید ناخالص داخلی این اقتصاد بزرگ در حال ظهور در همین سال برابر ۱۰۱۷۰ میلیارد دلار بوده است. اکنون نگاهی به روسیه بیاندازیم، کشوری که زمانی در چارچوب یک دولت بزرگ و قدرتمند نظامی، بخشی از جهان به نام جهان شرق را رهبری می کرد. اکنون این دولت اقتدار گذشته را نداشته و یارانش از او جدا و آن را تنها گذاشته اند. تولید ناخالص داخلی روسیه در سال ۲۰۰۶ حدود ۱۷۴۶ میلیارد بوده یعنی یک هشتم ایالات متحده. ایالات متحده سالانه حدود ۵۰۰ میلیارد دلار یا کمتر از ۴٪ تولید ناخالص داخلی خود را صرف بودجه یا هزینه نظامی می کند. حال اگر روسیه بخواهد برای مسابقه تسلیحاتی و رساندن توان نظامی خود به حد آمریکا هزینه کند، باید بیش از ۲۸/۶٪ یعنی ۷ برابر بیشتر از سهم آمریکا از تولید ناخالص داخلی خود را صرف این کار کند. روسیه ای که برای نوسازی اقتصادی خود نیازمند سرمایه گذاریهای خارجی است و سرمایه های ملی و داخلی آن از این کشور می گریزند و مسائل توسعه مناطق دور افتاده و عقب نگهداشته شده خود در آسیا (بخش شرقی و سیبری)، منطقه ولگا و قفقاز شمالی (منطقه جنگ زده چچن و اوستیای شمالی) را دارد، چگونه می تواند وارد این مسابقه تسلیحاتی بشود؟ راهکار روسیه چیست؟

روسیه ای که در دهه ۹۰ با شدیدترین بحران اقتصادی مواجه بود و به ورشکستگی نظام اقتصادی و سیاسی در غلتیده و از کشوری مقتدر به کشوری نیازمند کمکهای خارجی تبدیل شده بود، فقط بعد از روی کار آمدن پوتین در اواخر دهه ۱۹۹۰ و انتخاب به عنوان رئیس جمهور از سال ۲۰۰۰، توانست عزت از دست رفته و موقعیت و جایگاه

روسیه را تا حدودی بدست آورده و ملت روسیه را دوباره به ملتی مطرح و با عزت گذشته، در عرصه جهانی تبدیل کند. در ملاقاتهای سران دو کشور آمریکا و روسیه در اوایل دوره ریاست جمهوری پوتین، رئیس جمهور آمریکا از موضع بالا با مساله برخورد می کرد، اما چگونه است که اکنون نگاه خود را تغییر داده و روسیه را در کنار و شاید روبروی خود می بیند. اما این موقعیت اگرچه با درایت و دور اندیشی پوتین بدست آمد، افزایش قیمت جهانی نفت و گاز تاثیری بسیار در این اقتدار داشته است. صدور تسلیحات نظامی، افزایش توان نظامی - استراتژیک و بازسازی نیروهای مسلح و خروج از انزوایی که به غرق شدن زیردریاییها و سقوط هواپیماها منجر شده بود، روسیه را به کشوری قابل اعتماد در بین مردم خود و دیگر کشورهای جهان تبدیل کرده است. جلوگیری از تصویب قطعنامه های شدید علیه ایران در جریان پرونده هسته ای ایران در شورای امنیت، ورود به مساله خاورمیانه و حمایت از موضع حماس، همه مواردی بوده که آمریکا را به واکنش وادار و سرانجام غرب را به گزینش آخرین حربه یعنی مسابقه تسلیحاتی واداشته است. به نظر می رسد که روسیه دارای توان بازسازی موقعیت گذشته را بدست آورده و موضع گیری رهبران آن نه بر اساس احساس بلکه بر واقعیتهایی است که غرب کمتر بدان آگاهی دارد. توان نظامی - استراتژیک روسیه برای ناتو و غرب هنوز ناشناخته است و ترتیباتی که آنها برای گسترش به شرق انجام می دهند و متحدان سابق و سنتی روسیه را بسوی خود جلب می کنند، نمی تواند به برهم زدن موازنه استراتژیک منجر شود. اگرچه سبب صرف هزینه بیشتر از سوی روسیه خواهد شد. اما تمهیدات بکار برده شده از سوی غرب و ناتو برای به انزوا کشیدن و محاصره و در برگیری، روسیه بر اساس احساس تهدیدی است که آنها از سوی روسیه دارند. ایالات متحده که در استراتژی نظامی خود در سال ۲۰۰۵ روسیه را از فهرست تهدید خارج و چین را جایگزین آن کرده بود، با قدرت گیری روسیه در عرصه جهانی دوباره روسیه را برای خود تهدید می شمارد.

لاوروف وزیر امور خارجه روسیه در ۱۹ جولای در روزنامه پراواد مقاله ای در باره از سرگیری رقابتهای دوره جنگ از سوی آمریکا مطرح کرده است. او می نویسد که با وجودی که روسیه به کشوری پیشرفته تبدیل شده و بر روی روند رو به رشد شاخصهای توسعه و دموکراسی هزینه های بسیار کرده و جایگاه مهم و اثر گذاری در جهان کسب

کرده است، اما غرب می خواهد با ابزارها و تفکرات جنگ سرد دوباره از الگوی بازی جنگ سرد از روش «درب‌گیری» استفاده و روسیه را محاصره کند.^۱

اما از عمر دولتهای پوتین و بوش چیزی باقی نمانده است و پوتین در پایان دوره ریاست جمهوری خود در اعتراض به یکجانبه گرایی آمریکا، توانسته است نه تنها حمایت مردم خود بلکه بسیاری از کشورهای بی طرف و دوست آمریکا را جلب کند. اکنون ملل بسیاری مخالف سیطره جهانی آمریکا و یکجانبه گرایی دولتهای قدرتمند هستند. در این میان چین نیز در حال ظهور است و بزودی از پيله خود بیرون خواهد آمد. پیمان شانگهای در آینده ای نه چندان دور با روند کنونی ترتیبات امنیتی جهان موضع خود را تغییر خواهد داد و همانی خواهد شد که غرب در ابتدا بدان می اندیشید. آنچه روسیه را به واکنش در باره موضع یکجانبه گرایی آمریکا واداشته است، افزایش قدرت اقتصادی و نظامی روسیه است که با بازسازی ارتش و بکارگیری توان موشکهای استراتژیک این کشور است که در هر حال بر توان موشکهای بالستیک آمریکایی برتری دارد. با فشاری که پوتین برای لغو پیمان سلاحهای متعارف در اروپا و غرب وارد آورد، ایالات متحده و اروپا ناگزیر شده اند که بدان پاسخ دهند زیرا ضرب الاجلی که روسیه برای تصویب خروج از این پیمان پس از اعلام در ۱۵۰ روز اجرا خواهد شد، غرب را به پاسخ واداشته است.^۲ ممکن است کشورهای عضو نسبت به تصویب آن در پارلمانهای خود جدی تر شوند.

با دستور پوتین برای آغاز پرواز های دوباره هواپیماهای استراتژیک روسیه از ۱۷ اگوست ۲۰۰۷، واکنش آمریکا نسبت به روسیه تندتر شده است. این هواپیماها که از سال ۱۹۹۲ عملاً به علت پایان جنگ سرد پروازهای خود را متوقف و در برخی موارد فقط در زمانهای معین و محدودی پرواز کشیک انجام می دادند، اکنون برای پاسخ گویی به غرب و تقویت موقعیت خود، دوباره فعال شده اند، هر چند آمریکاییان آنها را فاقد کارایی می بینند. اکنون جنگ سرد جدیدی بین یک اردوگاه (آمریکا، غرب و ناتو) و یک

1. Containing Russia: Back to the Future? 19.07.2007

http://english.pravda.ru/russia/94979-arms_control-0

1- Russia speaks forcefully of arms control showing the West its place.

http://english.pravda.ru/russia/94979-arms_control-0

کشور(قدرت روسیه) در جریان است. طرفهای برد و باخت این بازی جدید هنوز شفاف و روشن نیست.

توضیحات

دکترین نظامی

برای آن که دکترین جدید نظامی تهیه شود عاقلانه آن است که به ارتباط آن با ایدئولوژی فعلی نظامی روسیه پی برده شود. دکترین نظامی مانند پدیده ای معنوی است که تشکیل دهنده هسته ایدئولوژی نظامی و همچنین ساختار معنوی آن است. ایدئولوژی نظامی شامل دیدگاههای بنیادین دولت نسبت به جنگها و صلحها، ارتشها و امنیت نظامی است. به همین علت به نوبه خود از نظر محتوی بسیار وسیع تر از دکترین نظامی بوده و نسبت به آن از جایگاه دستور العمل و جهان بینی برخوردار است.

دکترین نظامی بازتاب متمرکز ایدئولوژی نظامی، ایده ها، قواعد، فرضیات و اصول آن است که برای دوره مشخصی و بر پایه شرایط فعلی تا چشم اندازی معین جهت گیری شده است. دکترین نظامی مقدمه، نتیجه گیری، اصول و دستور العملهای خود را از ایدئولوژی نظامی می گیرد. تهیه دکترین نظامی به این جا ختم نمی شود و بلکه بر مسئولیت ترین و خلاقانه ترین فرآیند آنها آغاز می گردد. به ایده ها و دانسته های تئوری باید مسیری عملی داد و تقسیم وظایف و چگونگی وظایف را مشخص نمود. در جریان تجزیه و تحلیل شرایط نظامی - سیاسی و نظامی - استراتژیک می توان به نتیجه گیریها، ارزیابیهای مختلفی رسید و گزینه های مختلفی در تعیین اولویت در تهدیدهای داخلی و خارجی، در آمادگی نظامی کشور، ساخت نیرو های مسلح، روشهای پیشبرد جنگ و تعیین متحدان رسید. از میان همه این گزینه ها لازم است یگانه گزینه صحیح برگزیده شود که این دیگر هنر سیاسی و نظامی است. دانشهای تئوریک هنگامی که به شرایط مشخص، تکالیف عملی، امکانات دولت، محدودیت زمانی وابسته می شوند تبدیل به علم و دیدگاه جدیدی می گردند و این نوآوری دکترین نظامی است که دکترین ملی، هویتی، وابسته به شعور روسی و ابزار های مختص روسیه می باشد. دکترین نظامی انتخاب شده تکیه بسیار زیادی بر ثبات داخلی در دولت، در تامین امنیت نظامی خارجی و انعکاس موفق آن در صورت بروز خصومت دارد. دکترین نظامی می تواند تاثیر متقابلی بر ایدئولوژی نظامی داشته باشد بدین ترتیب که در برابر آن مشکلات جدیدی قرار دهد یا باعث اصلاحات در آن گردد یا موجب تعمیق محتوای آن شود.

ایستگاه رادار قبله

قبله در منطقه ای مرتفع و کوهستانی با دره های عمیق در نزدیکی رودهای قاراچای، گوچالان جای واقع شده و به جهت وجود باقی مانده باروهای شهر خرابه(چوخور قبله)، که قدمت آن به قرن ۴ پیش از میلاد می رسد، مشهور شده است. خرابه های شهر قدیمی در جنوب میرزابیگیلی، ۲۰ کیلومتری شهر جدید، در عرصه ای به مساحت ۲۵ هکتار واقع شده که در سال ۱۹۵۹ کشف شده است. ساخت ایستگاه رادار قبله در سال ۱۹۷۸ آغاز و در ۱۹۸۴ به پایان رسید. ایستگاه رادار در سال

۱۹۸۸ به بهره برداری رسید. این ایستگاه زمینی به مساحت ۲۱۰ هکتار را در اشغال دارد. ظرفیت کنونی ایستگاه ۵۰ MW است و ظرفیت اسمی آن ۳۵۰ MW است. اتحاد شوروی ۹ ایستگاه رادار مانند این رادار را دارا بود، ایستگاه رادار قبله و ایستگاه رادار موکاچنکو در اوکراین از آخرین نوع رادار های پیشرفته روسی بودند که در دوره شوروی ساخته شدند. تاسیسات ۷۵۴ دریا-ایستگاه رادار قبله- در لیاکی آذربایجان واقع شده است. تاسیسات استوپور با ساختمان رادار ۱۶ طبقه در قبله قرار دارد. این رادار به منظور ردیابی برتاب موشک از حوزه اقیانوس هند در نظر گرفته شده است. هر چند، رادار توانایی تفسیر اطلاعات مستقل را دارا نیست و آنها را برای تفسیر به تاسیسات کوادرات و اشتوتوت در نزدیکی مسکو ارسال می‌دارد. روسیه ناگزیر به پرداخت اجاره بهای زمین به دولت آذربایجان است.

بر اساس فرمان مورخ ۱۶ دسامبر ۱۹۹۱ رئیس جمهور آذربایجان (که در آوریل ۱۹۹۲ در مجلس ملی آذربایجان به تصویب رسید)، کلیه تجهیزات و تاسیسات نظامی شوروی در قلمرو آذربایجان جزو داراییهای آذربایجان محسوب می‌شود. پارلمان آذربایجان گروهی کارشناسی را در می ۱۹۹۲ تدارک دید تا اثرات فعالیت ایستگاه رادار بر محیط زیست را مورد مطالعه قرار دهند. سرنوشت رادار EWS مستقر در نزدیکی قبله در دستور کار مذاکرات بین روسیه و مسکو قرار گرفت که در سال ۱۹۹۷ در مسکو برگزار گردید.

در سپتامبر ۱۹۹۹ دفتر ریاست جمهوری کلینتون به مسکو پیشنهاد کرد که روسیه را در تکمیل رادار اصلی کمک رساند و در سیستم هشدار دهنده اطلاعات زودرس ایالات متحده سهیم سازد، به شرط آنکه روسیه با مذاکرات مجدد بیمان ضد موشک بالستیک موافقت کند، به طوری که ایالات متحده بتواند یک سیستم موشکی دفاع ملی را ایجاد کند. در این طرح پیشنهادی، ایالات متحده باید دهها میلیون دلار برای تکمیل بخشهای ساخته شده رادار در میشلفکا، در ۶۰ مایلی شمال غربی ایرکوتسک، تدارک ببیند، که شمال آسیا، شامل کره شمالی و اقیانوس منجمد شمالی را تحت پوشش قرار می‌دهد. دیگر امکانات در نظر گرفته شده برای روسیه شامل بدست آوردن امتیاز استفاده مجدد از رادار در نزدیکی لیاکی در آذربایجان بود. تحت برنامه آمریکایی، ایستگاه رادار لیاکی ممکن بود بطور مشترک با روسها مورد استفاده قرار گیرد، گرچه طرح پیشنهادی با دولت آذربایجان مورد مذاکره قرار نگرفته بود.

ایستگاه رادار قبله شبیه رادار پچورا در روسیه است که امکانات آن اجازه می‌دهد هر جسم بزرگتر از توپ فوتبال را در فضا ردیابی کند. این ایستگاه رادار بی همتای آذربایجان اطلاعاتی را برای امور نظامی روسیه گردآوری می‌کند. این ایستگاه از ۲۰ سال گذشته تا کنون فعال است و در نوع خود در جهان بدون رقیب است.

ساختمان ایستگاه رادار قبله به جهت واقع شدن بر روی ارتفاعات دامنه های جنوبی رشته کوههای قفقاز بزرگ، از کیلومترها دور از محل استقرار قابل رویت است. بلندی ساختمان ایستگاه رادار ۱۲۷ متر از سطح زمین است که به عظمت اهرام مصر دیده می‌شود و از سوی مردم بومی منطقه از سال ۱۹۷۶ مورد بحث و گفت و گو است. این ایستگاه رادار هنوز هم قابل توجه ترین و در عین حال سری ترین تاسیسات نظامی منطقه به شمار می‌رود.

ایستگاه رادار در سالهای اخیر به آذربایجان تعلق گرفته است. روسیه فقط اجازه استفاده از آن را در اجازه دارد و افسران گروه هوایی روسیه در عملیات و وظایف اخطار هوایی در اینجا فعالیت دارند. این وظیفه از ۲۰ سال پیش، یعنی از سال ۱۹۸۵ به عهده ایستگاه گذاشته شده است. از آن زمان، ایستگاه بخش مربوط به خود را ردیابی می‌کند- اقیانوس هند، کل خاورمیانه، تقریباً همه آفریقا، پاکستان، عراق و ایران. محدوده ردیابی موشکی ایستگاه رادار ۷۰۰۰ کیلومتر است- در این فاصله هر چیزی به اندازه یک توپ فوتبال از فضا قابل مشاهده است. در سالهای ۱۹۸۷ و ۱۹۸۹، رویداد قابل توجه در کشورهای جنوبی، یعنی جنگ ایران - عراق، هنگامی که بیش از ۱۵۰ موشک بالستیک پرتاب شده را ردیابی و تحت پوشش قرار داد. ایستگاه رادار قبنه در برابر گرما و زلزله مقاوم است. ایستگاه مشابه در پیچورا، برای نمونه، در اعماق زمین منجمد شده دائمی، ساخته شده است.

در دیدار دسامبر ۲۰۰۵ سرگنی ایوانف وزیر دفاع روسیه از آذربایجان، در مورد ادامه عملیات ایستگاه رادار قبله مذاکراتی به عمل آمد. بنا به این مذاکرات، ایستگاه رادار عملیات خود را بدون انقطاع ادامه خواهد داد. در مورد عملیات و تامین مایحتاج آن از طریق راه آهن، وزیر دفاع روسیه و وزیر دفاع آذربایجان آقای صفرابی یف بحث و مذاکره کردند. در این مذاکرات، آنها در مورد ابتکار روسیه برای تاسیس گروه دریایی «کاسفور» در دریای خزر بحث کردند. تشکیل و تاسیس این گروه می‌تواند از ابزارهای مشترک برای دولت‌های ساحلی دریای خزر در جلوگیری از تهدیدات تروریسم، و تکثیر سلاحهای کشتار جمعی، مبارزه با تجارت غیرقانونی اسلحه و مواد مخدر و محافظت از منافع اقتصادی باشد.

قرارداد منع تکثیر موشکهای ضد بالستیک

در سال ۱۹۷۲ آمریکا و اتحاد شوروی، قرارداد منع تولید موشکهای ضد بالستیک (ABM) را امضا کرده بودند و بر اساس آن اجازه داشتند فقط یک سامانه ضد موشکی برای مقابله با شلیک موشکهای بالستیک تاسیس کنند. این سامانه شامل حداکثر ۱۰۰ سیستم رهگیر و تاسیسات راداری بود. سامانه‌های دو کشور در ایالت داکوتای جنوبی در آمریکا و اطراف مسکو در شوروی مستقر شدند. این پیمان به توازن استراتژیک میان دو ابرقدرت منجر شد چون آنها را از دستیابی به توانایی ایمن سازی در مقابل حمله متقابل اتمی باز می‌داشت.

اما در دسامبر ۲۰۰۱ جورج بوش خروج یکجانبه از این پیمان را اعلام کرد تا "طرح دفاع ملی موشکی" را اجرا کند. روزنامه‌های آمریکایی سیستم دفاع موشکی جورج بوش را "پسران جنگ ستارگان" ریگان نام گذاشته‌اند. با این حال فقط پیمان منع تولید موشک‌های ضد بالستیک قربانی تصمیم بوش نشد. پوتین اعلام کرد که دیگر به تعهدات خود در "پیمان نیروهای متعارف در اروپا" پایبند نخواهد بود. این پیمان در سال ۱۹۹۰ میان سازمان پیمان اطلانتیک شمالی و کشورهای عضو پیمان ورشو در اروپای شرقی با هدف کنترل تسلیحاتی بسته شد. طبق پیمان نیروهای متعارف، شمار تانکهای زرهی، توپخانه سنگین و جنگنده‌های دو طرف از حد بخصوصی تجاوز نمی‌کرد.

پیمان سالت ۱- محدودیت سلاحهای استراتژیک(سالت ۱)

Strategic Arms Limitation Talks (SALT-I)

مذاکرات متعددی در باره کنترل تسلیحات بین ایالات متحده و شوروی انجام شد که به پیمان ای بی ام و موافقتنامه های موقتی منجر شد. مذاکرات در نوامبر ۱۹۶۹ آغاز شد، اندکی پس از آغاز ریاست جمهوری ریچارد نیکسون در می ۱۹۷۲ به نتیجه رسید. اولین موافقتنامه، پیمان بین ایالات متحده و شوروی در محدودیت سیستم موشکهای ضد بالستیک خوانده می شد، این پیمان چنین سیستمهایی را محدود کرده بود. موافقتنامه همچنین شامل عدم توسعه، آزمایش و بکارگیری ترکیبی از ای بی ام بود. این پیمان در ۳۰ سپتامبر ۱۹۷۲ به تصویب رسید.

سند دوم موافقتنامه ای موقت بین ایالات متحده و شوروی در بکارگیری برخی ابزارهای محدود کردن سلاحهای استراتژیک (که موافقتنامه موقت نامیده می شود) برای ۵ سال در نظر گرفته شد تا مذاکرات سالت ۲ بتواند ادامه یابد. اسناد از تعلیق سکوهای ICBM موجود در سطح آن زمان و سیستمهای زیردریایی را شامل می شد و سکوهای متحرک در این موافقتنامه گنجانده نشده بود. موافقتنامه های بعد از سالت ۱ شامل موافقتنامه پیشگیری از جنگ هسته ای، پیمان منع آزمایش آستانه ای و موافقتنامه انفجارهای هسته ای صلح آمیز بود.

سالت ۲- سالهای ۱۹۷۲-۱۹۷۹

تعدادی مباحثات به پیمان کنترل تسلیحاتی منجر شده ولی به تصویب نرسید. مذاکرات سالت ۲ در نوامبر ۱۹۷۲ بلافاصله پس از تصویب موافقتنامه سالت- ۱، آغاز شد. رئیس جمهور ریچارد نیکسون در ۱۹۷۴ از کار برکنار شد و در اثر تجاوز شوروی به افغانستان در دسامبر ۱۹۷۹ به کاهش سطح روابط ایالات متحده و شوروی منجر شد. هر چند پیمان سالت ۲ بطور رسمی به عنوان پیمان بین ایالات متحده و شوروی، در زمینه محدودیت سلاحهای استراتژیک تهاجمی در ۱۹ ژوئن ۱۹۷۹، نامیده می شد اما هرگز به تصویب نرسید.

پیمان استارت

Strategic Arms Reduction Talks (START)

این پیمان شامل تعدادی مباحث در باره کنترل تسلیحاتی از سوی آمریکا و شوروی بود که بین نوامبر ۱۹۸۱ تا دسامبر ۱۹۸۲ برگزار گردید که به نتایج کمی دست یافت، اما صحنه را برای مذاکرات بعدی آماده کرد. تجاوز شوروی به افغانستان در ۱۹۷۹، پیمان سالت ۲ را نقض کرد و رئیس جمهور جدید آمریکا ریگان را به انتقاد از مذاکرات سالت ۲ واداشت و آن را تعلیق کرد و اظهار داشت که این پیمان در پیشنهاد کنترل تسلیحاتی محدودیتهای ساختگی برای نیروهای ایالات متحده ایجاد کرده است. در اکتبر ۱۹۸۱ رونالد ریگان "گزینه صفر" را پیشنهاد کرد که همه انواع موشکهای میان برد هسته ای را

نیز می توانست کنار بگذارد. مذاکرات با شوروی در ماههای بعد در ژنو آغاز شد. در ۱۹۸۲ پرزیدنت ریگان به همین نحو قطع سکوهای موشکی غیر سطحی بویژه سیستمهای زمین محور که مطلوب شوروی بود، با سقف ۵۰۰۰ کلاهک موجود (و کف ۲۵۰۰ برای سیستمهای زمین محور) را پیشنهاد داد. مذاکرات استارت در ژوئن ۱۹۸۲ آغاز شد. در مارس ۱۹۸۳، ریگان طرح "جنگ ستارگان" را پیشنهاد داد (ابتکار دفاع استراتژیک) و بعد از آن سال ناتو استقرار موشکهای میان برد هسته ای خود را در اروپا اعلام داشت. به همین سبب شورویها ناگزیر به ادامه مذاکرات ژنو در دسامبر شدند.

